

فیلیپ دوزا گلی  
واستقرار تجارت ایران  
در کورلاند  
سال ۱۶۹۶

نوشته :

دبرتونو گلبنگیان

ترجمه

عباس آگاهی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

# فیلمپ دوزا گلی

## واستقرار تجارت ایران در کورلاند

بسال ۱۹۹۶

مشوق اینجانب در ترجمه‌ای که از نظر میگذرد آقای پرفسور مهران معاون پژوهشی دانشدوست ودانشمند دانشگاه اصنهان بردماند. ایشان پس از مطالعه متن فرانسوی آن که آقای ربر توگلبنگیان برای ایشان فرستاده بودند ، بفکر برگردانیدن آن بزبان فارسی افتادند و افتخار آنرا باینجانب دادند .

نوشته :

ربر توگلبنگیان

ترجمه

عباس آگاهی

کار ترجمه سرگذشت شیرین فیلمپ دوزا گلی این بازرگان ماجراجو و بلند پرواز - که گوشه‌ای از روابط. بازرگانی ایران و اروپا را در نیمه دوم قرن هفدهم روشن میسازد - ابتدا همچون داستان عشق بس آسان مینمود ، اما دیری نپائید که در آن مشکلها افتاد : پیچیدگی‌های عبارات متن که بزبان فرانسه سه قرن پیش نوشته شده است بگونه‌ای بود که برگردانیدن هریک نیازمند تأملها و دقتها بود و پنهان نمیکند که گاه ناچار ، بویژه در ترجمه اسناد سه گانه، سیاق عبارت فارسی دستخوش میل وافر مترجم بامانت‌داری گردیده و بصورتی آشکار رنگ ترجمه گرفته است .

امید آنکه این ترجمه مورد قبول از بسبب بصیرت قرار گیرد و نارسائی‌های آنرا بر این بنده نوسفر ببخشایند .

کتابخانه

طی سفری بارمنستان در ماه مه ۱۹۶۹، دیداری از آقای خاچیکیان L.Khatchikian رئیس کتابخانه دولتی Matenadaran و معاون ایشان آقای ب - چوکاسی زبان B.Chookasisian نمودم ، حین تبادل نظر درباره مدارك فراوانی که به اراهنه مربوط میشود و در جاهای غیر منتظر و نامشهود یافت میگردد ، آقای خاچیکیان یاد آور شد که اخیراً از کتابخانه ریگا - Riga فتوکپی سه سند مربوط به قرن هفدهم بدست ایشان رسیده است که بخط کوتیک نگاشته شده و شخصی بنام فیلمپ دوزا گلی آنها را به ارمنی امضاء کرده است .

✦ - ماته ناداران در واقع نام کتابخانه‌ای است که در آنجا نسخ خطی نگاه‌داری میشود . (مترجم)

در گفتگویی که درباره زندگی پرماجرا و حادثه جویانه این فیلیپ کنت دوزا گلی - که قسمتی از نوشته‌های سیاحان اروپایی، سفرا، مبلغین مذهبی و بازرگانان آن روزگار که از ایران بازدید کرده بودند، باو اختصاص یافته است، بمیان آمد. آقای خاچیکیان بمن پیشنهاد کردند که این سه سند را در اختیارم بگذارند تا بخواندن آنها مبادرت گردد و لازم میدانم که در اینجا از ایشان سپاسگزاری کنم.

کار خواندن این اسناد انجام پذیرفت البته همراه با دشواریهای چندی و باید از دوشیزه بول Bohl مسئول امور پژوهشی انستیتوی زبان آلمانی پاریس سپاسگزاری نمایم. ایشان بودند که بکار دشوار خواندن اسناد و سپس ترجمه آنها بزبان فرانسه اقدام نمودند. عناوین اسناد مذکور که درین مقال عیناً از نظر خوانندگان میگذرد بشرح زیر است:

سند اول: «یادداشتی بسیار ناچیز درباره دادوستد و تجارت ایرانیان که به پیشگساه والاحضرت دوک دو کورلاند، توسط فیلیپ دوزا زلی Zagely، ایرانی، اهل اصفهان، پایتخت ایران تقدیم شده است. میتو Mitau هشتم سپتامبر ۱۶۹۶».

سند دوم: «گزارش پنج نفر کارشناسی است که توسط والاحضرت جهت بررسی یادداشت مذکور و نیز بمنظور مذاکره درین باره تعیین شده بودند.» سند سوم: «موافقت نامه برقراری تجارت با ایران صادره توسط فردریک کازیمیر دوک دولیونی، کورلاند و سمگالن.» میباید که مورخ ۱۸ سپتامبر - ۱۶۹۸ است و آن نامه‌ای که طی آن فیلیپ دوزا گلی اجرای مفاد عهدنامه امضاء شده در میتو بتاريخ ۱۹ سپتامبر ۱۶۹۶ را متعهد میشود ضمیمه شده است. **فیلیپ دوزا گلی کیست:** ایرانی، از منی الاصل، متولد و تعمید یافته در جلفا واقع در حومه اصفهان، وی باید پسر زرگری بوده باشد که در همسایگی مرکز ژوئته ها Jesuites (یسوعیین) بسر میبرده است. فیلیپ دوزا گلی بگفته پدر روحانی ویلوت «Villotte» دارای خصوصیات بود که جبران آنچه را که

خانواده و ثروت به او ارزانی نداشتند بود، میگرد. زیرا او اندامی کاملاً متناسب داشت و از دوش و دکاوتی تیز و سریع و نافذ برخوردار بود، رفتارش مؤدبانه بود، بسیار مؤدبانه تر از رفتاری که معمولاً بسیاری از هم کیشانش دارند، علاقه مفرط به جهانگردی و برای خود از این راه شخصیتی کسب نمودن، او را بجای وطن و اداتش زیرا بخوبی دریافته بود که بهیچ وجه در آنجا برایش امکان جمع آوری مال و مکننت موجود نمیشد.<sup>۱</sup>

۱ - پدر روحانی ژاک ویلوت نزدیک به ۱۴ سال در ایران اقامت گزیده و ازین مدت قسمتی را در اصفهان و مدتی را در جلفا بین سالهای ۱۶۸۹ تا ۱۷۱۸ بسر برده است. از روی یادداشت‌های او سفرنامه‌ای با عنوان زیر بچاپ رسیده است: سفر مبلغی از فرقه ژوزوتها به ترکیه، ایران، ارمنستان، عربستان و باریباری پاریس ۱۷۳۰ تعداد صفحات ۶۵-۶.

بگفته سیاحی فرانسوی که بسال ۱۶۹۸ از ایران نامه‌ای نوشته است، زاگلی «پسر مردی ارمنی از اهالی جلفا موسوم به الیاس بود و چون در کارهایش موفقیتی نداشت بآئین محمد گروید.» نگاه کنید به نسخه خطی کتابخانه ملی در پاریس (کتب فرانسه Folio 30 or. 11331): مؤلف این نسخه خطی بدون عنوان، بنظر میرسد دولیه-دلاند M. Daulier-deslandes باشد که مؤلف اثری بنام: زیبای‌های ایران یا توصیفی از آنچه که درین مملکت از همه چیز دیگر جالب تر بنظر میرسد، نوشته A.D.D.V. (آندره دولیه دلاند - اهل واندم Andre daulier - Deslandes, vendomois همراه با شرح چند ماجرای دریائی مربوط به (L.M.P.R.D.G.F.) - Louis marot لومی مارو، ناخدای بحریه پاروئی و بادیابانی کشور پادشاهی فرانسه - پاریس ۱۶۷۳) نیز میباشد. دولیه دلاند در سال ۱۶۶۴ به همراهی تاورنیه Tavernier بایران مسافرت کرد و نیز با او بسال ۱۶۶۵ باصفهان رفت. دولیه دلاند در آوریل ۱۶۶۶ به تنهایی بفرانسه بازگشت. این نسخه خطی که شامل Folio 30 or و 310 و نیز حاشیه Folio 13 یعنی «سرگذشت سانی دغلاکار ارمنی که باخواهر خانم تاورنیه حدود سال ۱۶۸۲ در پاریس ازدواج کرده است.» میباشد، جزء مجلدی سی و یک ورقی مورخ ۱۳ ژوئن ۱۸۹۵ است در قسمت بالای صفحه اول چنین خوانده میشود دولیه دلاند ۱۷۱۲. چون از طرفی مؤلف مینویسد «هنگامی که در اصفهان بودم... Folio 300 و از طرف دیگر وقتی از زاگلی صحبت میکنم میگویی: «سانی یا ساهگلی نامی است که از آن نزد آقای تاورنیه استفاده میکرد و من او را در آنجا چندین بار دیدم.» Folio 300 چنین حدس میزنیم که مؤلف آن برعم قوی میتواند

زاگلی برای جمع آوری این مال و مکتب روانه فرانسه شد: حدود سال ۱۶۶۹ او را در پاریس می بینیم وی به همراهی سوداگران ارمنی باین شهر می رود. هنگام ورودش به پایتخت فرانسه گویا گفته بوده است که بنام سانی یاساهگلی خوانده میشود و پسر داروغهٔ عباس آباد یکی از محله های اصفهان<sup>۲</sup> است. او زبانهای ارمنی، فارسی و ترکی را مانند زبان مادری صحبت می کرده است و بعد از رسیدن به پاریس، شهری که در آنجا هر روز ارمنی های دیگری مستقر میشدند، ظاهر آراسته اش موجب میشود که وی بتواند نزد بزرگان و بخصوص نزد بانوانی که از دیدن جوانی ایرانی و دوستی با او خوششان می آمد راه باز کند.<sup>۳</sup>

او که محو موفقیت جدید خویش است به غسل تعمید مجددی تن میدهد و باین افتخار نائل می آید که والا حضرت دوک دورلشان، برادر منحصر پادشاه لوئی چهاردهم، عنوان پدر تعمیدی وی را بپذیرد و هم این شخص اخیر است که نام خود فیلیپ را بعلاوه مواجب و مقامی والا در میان تفنگداران بوی

دولیه دلاند باشد هم او بعد از ازدواج زاگلی میگوید «که بیش از این او نتوانسته است نه اطلاعی کسب کند و نه خبری بدست بیاورد تا اینکه چند ماه پیش که سیاحی فرانسوی که در سال ۱۶۹۸ از شماخیمه باصفهان میرفته است ماجرای زاگلی را شنیده و آنرا برای یکی از دوستانش در پاریس نوشته است» و همین دوست نامه بی امضاء را بوی داده است. در همین قسمت آخراست که قوی که باعتبار آن زاگلی پسر الیاس نامی بوده است بچشم می خورد.

بقول پی پرویکتور میشل Pierre Victor Michel زاگلی پسر مرد ارمنی فقیری از اهالی جلفا بوده است. نگاه کنید به «خاطرات عالیجناب میشل در باره سفری که بمنوان فرستاده فوق العاده اعلیحضرت در سالهای ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۰۹ بایران کرده» کتابخانه ملی، فرانسه، نسخه خطی 7200

✧ - در متن Diroga (مترجم).

۲- باعتبار نسخه خطی (همان نسخه) Fol3oro و 11331 بگفته میشل (همان نسخه) تاریخ ورودش به پاریس معملاً ۱۶۷۵ بوده است.

۳- پدرووحانی ویلوت (همان کتاب) صفحه ۴۶۵

اعطاء می کند چند هفته بعد از ورودش، فیلیپ با سیاح معروف، تاورنیه، بارون دو بن ( Tavernier Baron d'Eaubonne ) که یکسال از بازگشت او از آخرین سفرش به هندوستان میگذشت، آشنا میشود و بخانه اوراه می یابد و در آنجا خودنمایی میکند و مورد پسند خانواده وی قرار میگیرد و در نتیجه حدود سال ۱۶۸۲ با خواهر مادام تاورنیه ازدواج میکند، هر چند که این زن پیروزت روی بوده است<sup>۴</sup> درست نمیدانیم به چه نحو این دو بایکدیگر ازدواج کردند زیرا این زن از نظر مذهبی از فرقه پروتستانها بود و حال اینکه زاگلی در ظاهر متدین بفرقه کاتولیک بوده است. چنین بنظر میرسد که این ازدواج علنی نشده باشد و زوج نامبرده بعد از الغای فرمان نانت<sup>۵</sup> (Revocation de l'Edit de Nantes) بسال ۱۶۸۵ بکشور سوئیس رفته و مدتی در آنجا بسربرده باشند.<sup>۶</sup>

حال بهمراه وقایع نگاران بدنمال فیلیپ دوزاگلی در فرازونشیبهای سیاحت هایش راه بیافتیم. او محتملاً به آمستردام و سپس به مسکو می رود و در آنجا از قرار معلوم خود را بعنوان فرستاده پادشاه فرانسه معرفی میکند

۴- باعتبار نسخه خطی شماره 11331 (همان نسخه) : (دولیه دلاندا) ، ژ. ماتورز J-Mathorez که او نیز از همین نسخه جهت مقاله خود تحت عنوان « چند ارمنی که در فرانسه زیسته اند» استفاده کرده است و آن در مجله مطالعات ارمنی بسال ۱۹۲۲ (جلد دوم جزوه اول صفحه ۸۶) بچاپ رسیده است، باشتباه متن ذکر شده که زاگلی با خواهر تاورنیه ازدواج کرده است و حال اینکه بگفته پل لوکاس Paul Lucas زاگلی با خواهرزاده تاورنیه ازدواج کرده است. نگاه کنید بمسافرت چناب لوکاس به لووان (خاور نزدیک) چاپ لاهه سال ۱۷۰۵ جلد چهارم صفحه ۶۱ (چاپ اول بسال ۱۷۰۴) که از روی یادداشت های وی توسط شارل سزار بود لود و دروال ( Charles Cesar Beudelot De Derval ) عضو فرهنگستان ادبیات بچاپ رسیده است. لوکاس در شهر اصفهان از پایان سال ۱۷۰۰ تا تابستان ۱۷۰۱ اقامت داشت. میشل درائر یاد شده صفحه ۵۱ ادعا میکند که زاگلی با دختری از تاورنیه ازدواج کرده است.

۵- ادبی دونانت فرمانی بود که در سال ۱۵۹۸ توسط هانری چهارم بملاحظه آسایش پروتستانها صادر گردید و بعداً در سال ۱۶۸۵ لومی چهاردهم امر بالغای آن داد و این امر موجب جلای وطن بسیاری از پروتستانها گردید. مترجم.

۶- نسخه خطی شماره 11331 (همان نسخه) صفحه 30Vo

که مأموریت دارد در ایران دسته‌ای تفنگدار تشکیل دهد. مع‌هذا چون نمیتواند بایران راه یابد بآلمان سفر کرد و از آنجا به سوئد میرود و درین کشور گویا بادوشیزه‌ای درباری صاحب‌مقرری و مواجب شاهانه ازدواج مینماید آنگاه گویا همسرش را متقاعد میکند که چون باخانواده تاورنیه بستگی دارد و شخص ناهبرده اخیراً در روسیه فوت کرده است (۱۶۸۹) جهت جمع‌آوری ماترک وی که باید قابل اهمیت باشد، لازم است که بروسیه سفر کند. باین ترتیب باوساطت همسرش از دربارسوئد برای پادشاه ایران تقاضای معرفی نامه‌هائی میکند و بعد از بدست آوردن این نامه‌ها بمسکو میرود و در آنجا بخود نام آقا (AGA) یاخواجه فیلیپوس (Cogia Philipus) میدهد. آنوقت گویا به ورشو باز میگردد و در آنجا به دولت پیشنهاد میکند که دادوستدی را که آرامنه در نواحی دیگر دارند بطرف کشور لهستان متوجه گرداند. این پیشنهادات از قرار معلوم مورد قبول واقع نشده است اما زاگلی گویا موفق شده باشد که برای خود چنان اهمیتی دست و پا کند که پادشاه لهستان تصور نماید که در وجود وی تمام خصوصیات لازم جهت کامیابی در سفیری که او میخواست بدربار ایران بفرستد، جمع میباشد. ازین رو پادشاه لهستان بوی عنوان سفیر داد و نیز لقب کنت را بوی اعطاء نمود و باین ترتیب بعد ازین او فیلیپ کنت دوزاگلی نامیده شد.<sup>۶</sup>

آنگاه گویا بسرزمینهای تحت استیلای ترکها سفر میکند ابتدا در قسطنطنیه مدعی میشود که نامه‌هائی از امپراطور برای خلیفه بزرگ دارد اما دیر گاهی در آنجا نمی‌ماند و سپس به ارزروم میرود و در آنجا گویا مسلمان سنی میشود. قبل از عبور از مرز ایران بمقصد اصفهان گویا بفرقه

۶- ویلوت Villote (نسخه مذکور) صفحه ۴۶۷



علی (شیعه) میگرد و بنام ایمان قلی بیگ درمیآید. ذکر این فرازونشیب‌ها<sup>۷</sup> ما را بسال ۱۶۹۹ میکشاند. سالی که طی آن حوادثی زندگانی مبلغین کاتولیک ساکن جلفا و نیز زندگانی ارامنه کاتولیک مذهب بویژه خانانواده شری مانیان را (Cherimanian) (ما از صورت‌های مختلف یعنی: Sharinan, Cheriman, Scerimani, Cherimani را افتخساب کرده‌ایم) دستخوش ناراحتی‌هائی میکند و گویا فیلیپ دوزاگلی اسلام آورده عامل اصلی این حوادث بوده باشد.

فیلیپ دوزاگلی گویا چند سال جلوتر شکایتی کرده بوده است<sup>۸</sup> که بنظر میرسد در سال ۱۶۹۹<sup>۹</sup> قسمتی از آن بشمر میرسد. درین شکایت‌نامه او درخواست پرداخت مبلغ ۲۸۰۰۰ هزار تومان (حدود ۴۰۰۰۰۰۰ لیره) میکند

۷- طی این فرازونشیب‌ها همه نوع تقلب و دغلبازی بوی استناد داده شده است. بگفته میشل Michel (همان مرجع صفحه ۵۱) از قرار معلوم او گویا مبلغ ۱۲۰۰۰ کواز فرستاده فرانسه در سوئد به تزویر گرفته است بنا بر روایت سیاح فرانسوی که از شماخیه بازدید کرده است (نسخه خطی 11331 ذاکلی در ادزالروم بدنبال ارتکاب بدغلبازیهای علیه بازرگانی انگلیسی و مبلغی مذهبی از فرقه کارم دشوسه Carme Deschaussé که بوی ۵۰ سکه طلا قرض داده بوده بازداشت شده است.

۸- در سال ۱۶۹۷ نیز چنین بنظر میرسد که پای خواجه گاسپار Khoja Gaspar که یکی از برادران پنجگانه شری مانیان است در شکایتی که بهمین موضوع مربوط میشود کشیده شده باشد. (تاریخ مبلغین فرقه کارم در ایران، لندن ۱۹۳۹ جلد اول صفحه ۴۸۴ نگاه کنید به نامه مورخ ۱۵ سپتامبر ۱۶۹۷ خلیفه الیاس که می‌نویسد: «بیم این میرود که خواجه گاسپار بپرداخت ۱۵۰ تومان به شخصی که با پشتیبانی جابرا نه یکی از خواجه‌های حرمسرا از وی مطالبه ناروایی میکند بشود و این پول گویا به یتیمی متعلق است که تحت سرپرستی وی بوده است».

۹- دوتن از برادران شری مانیان بنام‌های مارک و میشل مجبور بپرداخت مبلغ هنگفتی به فیلیپ دوزاگلی شدند هر چند برای فرار از پرداخت این وجه این دو برادر بتاریخ ۱ فوریه ۱۶۹۹ بدین اسلام گرویده بودند (نامه‌های کشیش فرانسوی بنام پدر روحانی بازیل-دوسن شارل (Pere Basil De Saint Charles) فرستاده شده از جلفا به انجمن مقدس مورخ ۱۵ ژانویه ۱۷۰۰ و دوم فوریه ۱۷۰۰ که در کتاب کارملیت‌ها در ایران نقل شده است. جلد دوم صفحه ۱۰۸).

که گویا سی سال پیش توسط شوهر خواهر همسرش، تاورنیه به برادران شری مانیان بربح داده شده است. برادران شری مانیانی از ثروتمندترین و بااهمیتترین بازرگانان ارمنی جلفا و کاتولیک مذهب بوده اند.

اگر بقول خلیفه اصفهان الیاس دوست آلبر ۱۰ که درین ماجرا سهیم است اعتماد کنیم « کنت دوسگلی » مجهز بسفارشنامه هائی از شاهزادگان مسیحی ۱۱ گویا موفق شده است که نزد شاه بار یابد و عده ای از بزرگان را با خود همدستان سازد تا بتواند مبلغ ۲۸ هزار تومان را مطالبه نماید. او بعنوان وکیل مدافع، شخصی را که پسر یکی از اراهنه مسلمان شده و برادرزاده کشیش ارمنی گرجستانی بوده است، انتخاب مینماید. این شخص با دکاوت و تیزهوشی موفق بکسب مقام مؤثری در دربار شده بود.

لوکاس ادعا میکند که « زاگلی در اوراقی چند مربوط به دائی همسرش مشاهده کرده بود که وی داد و ستدی پر رونق و نیز مکاتباتی با خانواده شری مانیان داشته است. بمنظور استفاده ازین اوراق او امضاءها و مهرها و خطوط آنان را جعل کرد و باین ترتیب اسناد بدهی مبالغ هنگفتی فراهم آورد که ظاهراً چنین مینمود که مربوط به شری مانیانها باشد. » ۱۲

۱۰- پدر روحانی الیاس اصفهانی مراجعه شود به کارملیتها در ایران جلد دوم صفحه ۸۶۳ و نیز Vita P. F. Elia a. s. Alberto نوشته پدر روحانی فرانسیس ماریادواس- سیروس Francis Maria de S. Sirus نسخه خطی ocd 320c . هم چنین جلد اول، صفحه ۱۰۷۸ یادداشت شماره ۳.

۱۱- Lucas لوکاس (نسخه مذکور) در صفحه ۶۲ قید میکند که زاگلی همچنین از امیراطور سفارشنامه ای گرفته بود که پادشاه ایران حق مؤاخذنه مبالغی را که زاگلی ادعا میکرد از خانواده شری مانیان طلبکار است بوی بدهد.

۱۲- لوکاس (همان مرجع) در جلد دوم صفحه ۶۱ مینویسد: سیاحی که شماخیه بازدید کرده است و در سال ۱۶۹۸ مطالبی نگاشته است میگوید که زاگلی ورقه ای در دست داشت که در آن قید شده بود که تاورنیه بعنوان سپرده نزد خانواده شری مانیان مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان باقی گذاشته است و زاگلی که موفق شده بود بهمکاری یکی از وزرای دربار پادشاه

تاورنیه ثروت و مکننت هنگفتی را که بدنمال شش سفر خود بایران و هندوستان بین سالهای ۱۶۳۶ و ۱۶۶۹ فراهم آورده بود در بازگشت بفرانسه زود ازدست داد. خواهرزاده اش نیز که وی او را در ایران گذاشته بود، دست بخرجهای بی حد و حساب و سفته بازی زده بود. باین ترتیب تاورنیه مجبور شد که قلمرو او بن Eaubonne را که عنوان بارونی خود را از آن داشت، بفروشد و در سال ۱۶۸۴ پیشنهادات گرانداکتور (Grand Electeur) را که در صدد تشکیل شرکت بازرگانی مستعمره ای بود، بپذیرد<sup>۱۳</sup>. بنابراین میتوان قبول کرد که تاورنیه باشوهر خواهر زن خود از مبالغی که محتملا نزد برادران شری مانیان بصورت سپرده باقی گذاشته است صحبت کرده باشد و باو مأموریت اخذ این مبالغ را داده باشد باتمام این احوال چون تاورنیه در سال ۱۶۸۹ در مسکو در گذشته است روشن نیست با چه وکالت نامه ای فیلیپ دوزاگلی میتوانسته مبالغ مذکور را مطالبه کند. مگر اینکه اداء نماید که وی مأمور جمع آوری ارثیه تاورنیه میباشد یعنی بهمان گونه که هنگام اقامتش در سوئد وانمود کرده بود.

تمام این ماجراها در چهارچوبه کشمکش های خشونت آمیزی قرار میگيرد که از چندین سال پیش بین علمای مذهبی و اکثریت ساکنین

ایران سندی که در پای آن مهر پادشاه وجود داشت بچنگ آورد این مهر را با چیره دستی از آن جدا کرد و بروی ورقه مذکور در بالا الصاق نمود. زاگلی همچنین موفق شد که مبلغی از ۲۰۰۰۰ لیره بعنوان مخارج شخصی بمهد خانواده شری مانیان بگذارد برای این خانواده تا سال ۱۶۹۸ گویا این قضیه بیش از ۵۰۰۰۰ پیاستر Piastres تمام شده باشد (نسخه خطی 11331) (Fol.3070, 31r0)

☆ - او بن نام کانتنی است در سوئیس. این قلمرو و عنوان بارونی توسط لومی چهاردهم در سال ۱۶۶۹-۷۰ بتاورنیه داده شد. مترجم

☆☆ - منظور فردریک گیوم (متولد در برلن بسال ۱۶۲۰ و متوفی در پتدام بسال ۱۶۸۸) می باشد. مترجم

۱۳- رجوع شود به رافائل دومان Raphael DU Mans در کتاب - (Estat de la Perse en 1660) دولت ایران در سال ۱۶۶۰ که با حواشی و تعلیقات بسال ۱۸۹۰ توسط شارل شفر Charles Schefer در پاریس بچاپ رسیده است. صفحه هفتاد (LXX).

ارمنی جلفا و از طرف دیگر مبلغین کاتولیکی، که در امر تبلیغ و جلب مردم بسوی فرقه کاتولیک موفقیت‌هایی داشتند، شروع شده بود.

خانواده شری مانیان از زمره همین خانواده‌های گرویده بفرقه کاتولیک بودند و پدر روحانی فلوریو Fleuriau در مورد این خانواده بسال ۱۶۹۱ ۱۴ مینویسد که در اصفهان «بین خانواده های کاتولیکی که درین جا میتوان یافت سرشناس‌ترین آنها خانواده آقای شری مانیان‌هاست ۱۵ فقط این آقایان میان تمام ارمنه از نجیب زادگان میباشند. خدمت با اهمیتی که اینها به تاج

۱۴ - فلوریو (Fleuriau) قلمرو کنونی ارمنستان و مسائل مادی و معنوی آن، پاریس ۱۶۹۴ صفحه ۶۰

۱۵ - چنین بنظر میرسد که حدود سالهای ۸۲-۱۶۸۱ باشد که برادران پنجگانه پسران، سرآت (Saraot) و شری مانیان از مبلغین خواسته باشند که تمامی خانواده‌شان را به اصول کاتولیکی آشنا سازند. نامه پدر روحانی الیاس دوست آلبر مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۶۸۳ - در کتاب کارملیت‌ها در ایران جلد دوم صفحه ۱۰۷۶. در گزارشی بدون تاریخ که به انجمن مقدس در رم تقدیم شده است (نگاه کنید به کتاب کارملیت‌ها در ایران جلد اول صفحه ۴۸۵) درباره این خانواده چنین قید شده است. «در اصفهان ایشان پنجاه نفر خدمتکار داشته‌اند و صد نفر در امور مربوط به داد و ستد و تجارت‌شان بکار می‌گمارده‌اند. این خانواده سرمایه‌هایی در خارج از کشور داشته است و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ سکه (Scudi) بشهر و نیز منتقل کرده است که مبلغ صد هزار سکه آن جهت مصرف در همانجا و بقیه با اجازه انجمن مقدس جهت مصرف در رم بوده است.» ثروت این خانواده هفتاد هزار تومان معادل بیشتر از یک میلیون سکه میباشد و در دربار مورد عنایت میباشند» نامه پدر روحانی الیاس به انجمن مقدس مورخ ۱۶۸۲/۱/۳۰ (کارملیت‌ها در ایران جلد دوم صفحه ۴۵۱).

با پشتیبانی زوال‌ناپذیر خلیفه اصفهان پدر روحانی الیاس دوست آلبر، برادران شری - مانیان توسط پاپ اینوسان دوازدهم (Pape Innocent XII) در سال ۱۶۹۶ بمنصبی گمارده شدند و بعنوان تبعه رم دروازه‌های رم و آنکن (Ancone) بروی کالای تجارت‌شان باز شد. در سال ۱۶۹۹ امپراتور به آنها لقب کنت دو هنگری را اعطا نمود و این عنوان را امپراتور فرانسوی اول در دستور مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۸۱۷ تأیید کرد. در سال ۱۷۳۶ خانواده شری مانیان عضو جامعه بزرگ زادگان اورویتو (Orvieto) و در سال ۱۷۵۱ عضو جامعه بزرگ زادگان Maserate گردید رجوع شود به کارملیت‌ها در ایران جلد اول صفحه ۴۸۵ و نیز شجره نامه خانواده شری مانیان در همان کتاب. جلد دوم تعلیق جیم صفحات ۱۳۵۸ و بعد.

وتخت ایران نموده‌اند موجب شد که چنین القاب افتخار آمیزی کسب نمایند. اما آنچه موجب سرشناسی این خانواده میشود اینقدرها اصالت، اعتبار و ثروت بی‌حد و حصرشان نیست بلکه بیشتر تقدس و دل‌بستگی خلل ناپذیر آنان به اعتقادات کاتولیکی و تعصب شدید درانتشار و تبلیغ این اعتقاد است این خانواده علناً حامی مبلغین و محکم‌ترین تکیه‌گاه مذهب مسیح در تمام ایران هستند. این خانواده برای پدران روحانی ژزوئت کلیسای زیبائی<sup>۱۶</sup> ساخته است که بدون اینکه سخن از نیکو کاریهائی که اینان نسبت بسایر مبلغین نموده‌اند ببریم، بنائی جاودانی و بیان‌کننده گشاده دستی و ایمان ایشان خواهد بود.

در جریان فرازونشیب‌های این کشمکش مذهبی آرامنه جلفا موفق شده بودند که در سال ۱۶۹۴ فرمان راندن پدران روحانی فرقه کارم دشوسه منجمله خلیفه اصفهان پدر روحانی الیاس را از جلفا بدست آوردند. ۱۷ مبلغین دیگر، مربوط بفرق ژزوئت و دومنیکن نیز که در اصفهان سکونت داشتند در خطر رانده شدن قرار گرفته بودند. اما درین هنگام پدر روحانی موسوم به گاسپاردوسرس (Gaspar Dos Reyes) اهل پرتقال، نماز گزار

۱۶- این کلیسای جدید که بنام «کلیسای شری ما نیان» معروف است در تاریخ ۱۸ دسامبر- ۱۶۹۱ بادیو کوچکی برای پنج تاشش مذهبی فرقه لاتینی تعمید یافت (کارملیت‌ها در ایران جلد دوم صفحه ۱۰۷۷)

۱۶- این کلیسا بعدها از بین رفته است. مترجم.

۱۷- سفیر پرتقال گره گویوپره رانیدالکو (Gregorio Pereira Fidalgo) مأموریت یافته بود که نامه مورخ ۱۶۹۵/۱/۲۸ پاپ اینوسان دوازدهم را بشاه سلیمان عرضه دارد این نامه موجب شد که شاه سلطان حسین جوان که بتازگی به تخت نشسته بود، اجازه دهد که خلیفه الیاس و پدران روحانی فرقه کارم دشوسه بتوانند مجدداً در سال ۱۶۹۶ باصفهان بازگردند (کارملیت‌ها در ایران جلد دوم. صفحه ۱۰۷۸).

دیرپدران مقدس فرقه اگوستین در اصفهان نزد خلیفه بزرگ ارمنه (استپانوس)<sup>۱۸</sup> میانجیگری کرد و از او درخواست نمود که از سر این تصمیم بگذرد. زیرا «باو بچشم دشمن علنی فرقه کاتولیک نگاه خواهد شد و پادشاه پرتغال و تمام شاهزادگان دیگر کاتولیکی مذهب احیاناً بگرفتن تصمیماتی مجبور خواهند شد.» وبعلاوه میافزاید «که بعنوان یک دوست باو هشدار میدهد که تعصب بی جای وی تمامی بازرگانان ارمنی را که در قلمرو مسیحیت پراکنده هستند در موقعیت دشواری قرار خواهد داد.» خلیفه بزرگ ارمنی در پاسخ میگوید «که او هنگامیکه رستگاری قومش مطرح باشد بیمی از پادشاهان ندارد» مهذا نماز گزار نامبرده و خلیفه او که بزبان ارمنی صحبت میکردند، بالاخره او را قانع کردند که در مقابلشان آن فرهان پادشاه را که مبنی بر اندن ژرونت ها و دو منیکن ها بود، پاره نماید و اما اعلام دارد که اگر چنین میکند

۱۸- واردایه استپانوس خلیفه جلفنادرا کثیر ۱۶۹۶ بفرمان شاهی عنوان کاتولیکوس اچمیادزین (کاتولیکوس بزرگترین عنوان مذهبی نزد ارمنه میباشد - م) را بدست آورد. او جانشین کاتولیکوس نهایی ت اول Nehapiet ادس (Edesse) (۱۶۹۱-۱۷۰۵) میشد که ازین عنوان برکنار شده بود. در سال ۱۶۹۷ کاتولیکوس استپانوس بزندان انداخته شد و نهایی ت مقام خود را بدست آورد و کلیسای رم را کلیسای «مادر» نامید. ولی مهذا اتحاد با کلیسای رم را عملی نساخت (کارملیت ها در ایران جلد اول صفحه ۴۸۲) در سال ۱۶۹۸ استپانوس «دشمن علنی فرانک ها» در زندان ایروان بدرد حیات گفت (S.N.R.) (بتوضیح شماره ۳۰ رجوع کنید - م) : (پدر روحانی ژان بارتولمه (Jeu Bartholome) از فرقه دو منیکن نامه مورخ ۱۶۹۹/۳/۹ کتاب کارملیت ها در ایران جلد اول صفحه ۴۸۲ جلد دوم صفحه ۲۳۲) در جریان این حوادث حتی دیده میشود که در سال ۱۶۹۷ پدر روحانی آنتونیو- (Antonio) کشیش پرتغالی که قبلاً نماز گزار پدران روحانی فرقه اگوستین ها در اصفهان بود مسلمان شده زن اختیار کرده و ساکن اصفهان میشود و از آن پس جمعی از دشمنان خانواده شری مانیان را رهبری میکند. پدر روحانی بازیل Bazil دوم فوریه ۱۷۰۰ (S.R.) مجلد ۵۳۸ صفحه ۴۰۷ که در کارملیت ها در ایران عیناً نقل شده است (جلداول صفحه ۴۸۶).

فقط بخاطر ایشان است ۱۹. متعاقب همین کشمکش‌های مذهبی از سال- ۱۶۹۴ خانواده شری مانیان بپرداخت جریمه‌های هنگفتی مجبور شد و این امر موجب گردید که ایشان کمک مالی خود را بمبلغین موقوف نمایند ۲۰. از سوی دیگر خلیفه الیاس دوست آلبرحین بازدید از شهر رم که بعد از ترک اصفهان در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۶۹۹ در سال ۱۷۰۲ بانجا رسیده بود، بسه مسئله مهم پرداخته بود که اول آنها مربوط بآزار ارامنه کاتولیک جلفا و بویژه خانواده شری مانیان بوده است. این خانواده بعلت طلبکاریهای فیلیپ دوزاگلی سخت هراسناک شده بود. زیرا اگر این طلبکاریها به نتیجه خود میرسید گویا عواقب بسیار بدی برای مبلغین بیمار میآورده است از جمله اینکه این خانواده مجبور بانتمقال دادن سرمایه‌های خود به‌ونیز میشده است. مگر اینکه فیلیپ دوزاگلی تغییر مذهب دهد.

دیگر اینکه موجب وقفه یافتن ساختمان کلیسایی که این خانواده تصمیم‌داشت برای خلیفه اصفهان بسازد، میشده است ۲۱. باین دلائل خلیفه الیاس دوست آلبرچاره‌ای بجزروی آوردن به فرمانروای (دوژ Doge) ونیز وسایر شاهزادگان، نمی‌بیند و از آنها درخواست میکند که شاه ایران و دربار او را تحت فشار قرار دهند و ارامنه اروپائسی را تهدید به بیرون راندن

۱۹- جملی کاری (Gemeli Careri) سفر بدوردنیا. پاریس ۱۷۲۹، جلد اول صفحه ۱۰۱ و ۱۰۲ باعتبار منبع دیگری یعنی بوویلیه (Beauvillier) کنسول فرانسه در حلب (نامه مورخ ۱۲/۲۲/۱۶۹۴): پدران روحانی پرتغالی از فرقه سن‌اگوستن باتهدید ارامنه جلفا به انتقام کشیدن از ارامنه ساکن هندوستان آنها را وادار به تمکین نمودند. (کارملیت‌ها در ایران، جلد اول صفحه ۴۶۷).

۲۰- کارملیت‌ها در ایران، جلد دوم صفحات ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹.

۲۱- منظور از وقفه یافتن ساختمان کلیسای اصفهان، کلیسایی است که برادران شری- مانیان دوباره تعهد کرده بودند برای خلیفه الیاس دوست آلبر بسازند.

بنمایند. ۲۲

بدنبال این حوادث که مربوط بسال ۱۶۹۹ میشود مجدداً فقط تحت عنوان ایمان قلبی بیک از کنت دوزاگلی سخن بمیان میآید و این نامی است که او بعد از مسلمان شدن در ایران گرفته بوده است. ماجراهای زندگانی او ازین پس از جانبی با سفارت ژان باپتیست فابریر Jean baptiste fabre و دوشیزه ماری کلودیتی (Marie-claude petit) ۲۳ و از سوی دیگر با شخصی بنام پی پرویکتور میشل ۲۴ Pierre-victor michel رابطه پیدا میکنند.

هنگامیکه فابریر Fabre به همراهی ماری پتی بشهر ایروان رسیده بود توسط خان ایروان بمیهمانی دعوت شد و در اثر آن بیمار شد و چند روز بعد از آن یعنی در تاریخ ۱۶ ماه اوت ۱۷۰۶ بدرود حیات گفت و در شهر اچسیازین

۲۲- کارملیتها در ایران جلد دوم. صفحه ۸۶۳. خلیفه پیدو و سنت الون - Pidou de Saint-olon در گزارش مورخ ۱۶۹۴/۶/۲۹ قید میکنند که بعلت حوادثی چند، او چندین بار تمام مبلغین را گرد هم آورده و تقریباً تصمیم گرفته شده است که اظهارنامه‌ای جهت شاهزادگان مسیحی فرستاده شود تا بکمک این مبلغین اقدام کنند و جلوی بی‌شرمی این ارامنه خیره‌سرا با توقیف و مانع شدن از خروج کالاهای ایشان، چه از راه دریا و چه از راه خشکی، بگیرند هر چند او خود همیشه مخالف اینگونه شدت عمل نشان دادن‌ها بوده است. نقل شده در (کارملیتها در ایران) - جلد اول - صفحه ۴۶۱. هم چنین انجمن مقدس معین میکنند که بخانواده شری مانین که بعنوان بازرگانانی بارونق و با سرمایه در ونیز و لگورن Leghorn شناخته شده‌اند، فشار آید تا به تعهدات خود عمل کنند و یا لااقل به بخشی ازین تعهدات عمل نمایند. اما چنین بنظر میرسد که این تصمیم از موقیعتی برخوردار نشده باشد. گزارش بی‌تاریخ از شورای مقدس، نقل شده در کارملیتها در ایران - جلد اول - صفحه ۴۸۵. رجوع کنید هم چنین بنامه مورخ ۱۷۰۲/۳/۴ نوشته پدر روحانی الیاس به دوژ (همان مرجع، صفحه ۵۰۳).

۲۳- درباره سفارت فابریر و ماری پتی رجوع کنید به: ر - مولد دو لاکلاویر R. Maulde de la Claviere تحت عنوان: هزارویکشب یک سفیر زن در دوره لومی چهاردهم - پاریس.

۲۴- درباره ماوریت پل پرویکتور میشل رجوع کنید به (همان مرجع). یادداشت شماره یک).



نزد آرامنه بخاک سپرده شد. در کیرو داری که بعد از این ماجرا بوقوع پیوست، ماری پتی از خان ایروان اجازه گرفت که مأموریت فابر را ادامه و از این رو ایمان قلی بیگ که در آن هنگام مأمور بازرسی قشون استان ایروان<sup>۲۵</sup> بود، بعنوان «میهماندار»<sup>۲۶</sup> و مترجم بهمراهی او فرستاده شد تا راهنمای او باشد و ترتیب بازیافتنش را بدربار بدهد. انتخاب ایمان قلی- بیگ توسط خان ایروان برای همراهی کسی که از این بعد خود را بعنوان «فرستاده شاهزاده خانمهای فرانسه» قلم داد میکند بنظر انتخابی بسیار بجا بنظر میرسید. بعبارت دیگر همانطور که مودلا کلاویر مینویسد: «در ایران غیرممکن است کسی یافت شود که تا این حد مورد قبول واقع شود و تا این اندازه مطلع از تأثیری باشد که خطابه‌ای بزبان ایرانی در پاریس و خطابه‌ای بزبان فرانسوی در جلفا میتواند بجا بگذارد.»<sup>۲۷</sup>

ماری پتی با سفارش نامه‌هایی برای خان تبریز، در آغاز دسامبر ۱۷۰۶ ایروان را بقصد تبریز ترک میگوید. درین هنگام است که شخصی بنام میشل که منشی سفارت فرانسه در استانبول بود و توسط سفیر خود مارکی دو فریول- (Marquis de ferriol) با عجله هرچه تمام تر فرستاده شده است تا جای فابر را درین مأموریت پر کند، از راه میرسد. این شخص بمحض ورود به تبریز از خان اجازه ملاقات میخواهد و خان قبل از صدور این اجازه توسط ایمان قلی بیگ از جانب ماری پتی در جریان امر قرار میگیرد. ایمان قلی بیگ بدون هیچ زحمتی ثابت میکند که بعد از مرگ فابر، برای میشل بهیچوجه امکان و وقت اینسکه بعنوان فرستاده جدید از لوئی چهاردهم اعتبارنامه کسب کند وجود ندارد. وانگهی میشل بدون خدم و حشم مانند بازرگانان سفر

۲۵- بگفته میشل (همان مرجع صفحه ۵۱) زاکلی که خان ایروان را همراهی میکرد تا مقام حکومتی او را صاحب شود بست مذکور در بالا را بعلم اطلاعات کمی که در فرانسه از هنر نظامیگری کسب نموده بود بدست آورده بود.

۲۶- در متن Mihmander (مترجم).

۲۷- موددولا کلاویر (همان مرجع صفحه ۱۱۰).

کرده بود و چنانکه معمول سفر است از طریق ایروان به تبریز نیامده بنا بر این او جز آدمی فریبکار نمی تواند باشد. خان تبریز بسادگی متقاعد میشود و بسا سردی تمام میشل را بحضور میپذیرد و از او در حضور ایمان قلسی بیک اعتبار نامه هایش را مطالبه مینماید.

میسل بی اندازه تمایل داشت که اجازه بازیافتن به دربار را کسب نماید، اما درین کار موفق نمیشود. زیرا از جهتی خود او هیچ نوع اعتبارنامه ای همراه نداشت و حال اینکه ماری پتی از بهترین سفارش نامه ها برخوردار بود و از جهت دیگر در دربار نیز هلندیها، انگلیسیها و پرتغالیها توانسته بودند با زبانی مؤثر با صدراعظم علیه او صحبت نمایند. ۲۸

میسل ناچار بماندن در تبریز میشود و حال اینکه ماری پتی بیایستخت میرود و بگفته خود با تمام تشریفات ممکنه بدربار بار مییابد ۲۹ اما بیشتر از یکروز در آنجا نمیماند.

میسل که بعد از نوئل ۱۷۰۶ تبریز را ترک گفته بود موفق میشود که تا اردوی شاهی پیش رود. اما نمیتواند شاه را که در نزدیکی تهران یعنی در فاصله سه روز راه تا قزوین بوده است ملاقات کند و ازین رو بسا خاطری آزرده بشهر اخیر باز میگردد. درین شهر دستور مییابد که بسوی ایروان حرکت کند و ایمانقلی بیک را بعنوان «میهماندار» همراه او میکنند.

۲۸- میسل (همان مرجع صفحه ۳۰) میگوید: «او کسب اطلاع کرده است که انگلیسیها، هلندیها و پرتغالیها مبلغ ۷۰۰۰ هزار تومان پرداخته بودند تا اعتمادالدوله (صدراعظم) و چندتن دیگر از آنهایی که در دربار ایران نفوذ بیشتری دارند بنحوی عمل نمایند که من نتوانم در مقابل شاه (در متن صوفی Sophy و این نامی است که بعضی از اروپائیان پادشاهان سلسله صفویه را بآن می نامیدند- مترجم) بازیابم.

۲۹- یادداشت جهت افزودن اطلاعاتی به پرونده دعوی دوشیزه ماری پتی که دادستان کشور پادشاهی علیه وی ادعای داشتن زندگی بی بند و بار کرده است... خواهان دادستان کشور پادشاهی و پ میسل. امور خارجه پاریس جلد اول برگه شماره 259a هم چنین نگاه کنید به کتاب لورانس لو کهارت Laurence Lockhart بنام سقوط سلسله صفویه صفحه ۴۴۳.

✽ - در متن Mihmander (مترجم).

در پایان آوریل ۱۷۰۷ خلیفه پیدو دوست‌الون<sup>۳۰</sup> در نزدیکی قزوین به میشل که در راه ایروان است میپیوندد. در راه ایمان قلی بیگ، خان ایروان را بر میانگیزد که هر دو نفر را توقیف نماید و سپس با آنها نصیحت میکند که به قلمرو ترک‌ها بگریزند. اما چنین بنظر میرسد که ایشان از پذیرفتن این راه حل «بعنوان اینکه برای فرستاده کشور فرانسه پست و ناشایسته است» سرباز می‌زنند. خلیفه نامبرده بمانمیگوید که چگونه بالاخره ایشان آزادی خود را بازیافتند. اما اضافه میکند که آنها در تاریخ ۲۴ ماه مه ۱۷۰۷ به تبریز میرسند و در آنجا بیماری پتی که عازم فرانسه بوده است برمیخورند<sup>۳۱</sup>. در ۲۴ ژوئن ۱۷۰۷ میشل و خلیفه بایروان میرسند و در آنجا با کمال آزادی بدون واهمه اقامت میگزینند.

در پایان ماجرا بالاخره این میشل است که موفق میشود دستور دربند کردن «میهماندار» را بدست آورد و نیز بدنبال در خواستهای مکرر هم اوست که «خان درملاء عام کردن این ارمنی بیدین و حیلله گری یعنی زانگلی را که بایمان-قلی بیگ معروف است از تن جدا میکند. او قبلا دستور راندن هم خوابه بی‌شرم

۳۰- خلیفه بابل، پیدو دوست‌الون که در آن هنگام در همدان میزیسته است بعنوان سفیر وابسته به سفارت فابر Fabre معین شده بوده است اما به بهانه سن زیاد و بیماریهایش هیچگاه باو نیبوسته است وی گزارشی از ایروان بتاريخ نهم ژوئیه ۱۷۰۷ نوشته است که در ردیف نسخ خطی آرشیو انجمن مقدس مربوط به توسعه دین مسیح در مجموعه (Scrittura Non Riferite) محفوظ است (منظور آرشیوسری واتیکان است که مراجعه بآن ممکن نیست و چنانچه مسئولین صلاح بدانند رونوشتی از مدارک موجود را در اختیار محققین قرار میدهند. مترجم) جلد دوم صفحه ۵۰۰. قسمتی از شرح مربوط به سفر بزبان انگلیسی در کتاب کارملیت‌ها در ایران نقل شده است جلد اول صفحات ۵۳۵-۵۳۶

۳۱- ماری پتی در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۷۰۷ تبریز را بقصد سفر طولانی اش بسوی فرانسه بتهنهای ترک گفت و در تاریخ ۸ فوریه ۱۷۰۹ در بندر ماریسی قدم بخشگی گذاشت لوکهارت (همان مرجع صفحه ۴۴۴) همچنین رجوع کنید به «ماجرای ماری پتی در ایران» مجله آسیائی (Asiatic Review). ژوئیه ۱۹۴۶ صفحات ۲۷۷-۲۷۳.

فابره Fabre را داده بود، زاکلی این دشمن خدا و کشور فرانسه قادر بود که بدبختیهای بزرگی بار آورد بخصوص که قبلا خانواده شری مانیان را تهدید کرده بود و ایشان را که بنیان گذار اعتقاد کاتولیکی در جلفا بودند مجبور بترك این شهر نموده بود»<sup>۳۲</sup>.

پدر روحانی ویلوت Villotte که در تمام طول دوره سفارت کنت دوزا گلی در اصفهان، درین شهر بوده است و بعداً نیز همیشگی را پس از اختتام مأموریتش در اصفهان تا فرانسه همراهی کرده است<sup>۳۳</sup>، شاید به این علت که نخواسته است بار مسئولیتی بدوش هم سفر خود تحمیل کند، وقایع را کمی تغییر میدهد و شاه ایران را مسئول مرگ زاکلی قلمداد میکند. پدر روحانی ویلوت بعد از اینکه از علاقه و عشقی که فیلیپ دوزا گلی نسبت بفرانسویانی که هم او اینقدر اخلاقاً بآنها بدعکار بوده است و نیز علاقه بآنان موجب میشود که وی با زروئت‌های جلفا تماس و مکاتبه فراوانی پیدا کند، سخن میگوید: مینویسد که بداقبالی فیلیپ دوزا گلی «درین بود که دوستی خود را با سفیر فرانسه که در آن هنگام در اصفهان بسر میبرد، برید. باین ترتیب در بازگشت از سفری که به اهرستان کرده بود تا پاسخهای شاه ایران را بآنجا ببرد، پرده از روی خدعه‌های این ارمنی برداشته شد و شاه که از زندگانی او و اتهاماتی که باو وارد آورده بودند اطلاع حاصل کرده بود دستور داد که سر از بدنش جدا کنند»<sup>۳۴</sup>.

۳۲- خلیفه پید و دو سنت‌الون - کارملیت‌ها در ایران جلد اول صفحه ۵۳۶.

۳۳- میشل در تاریخ ۷ ژوئن ۱۷۰۸ نزد شاه سلطان حسین دریافت. در طی این مأموریت بود که در سپتامبر ۱۷۰۸ حق قضاوت کنسولی Capitulation بین کشور فرانسه و ایران بامضاء رسید درین قرارداد از جمله در ماده ۲۶ قید شده بود که «آزادی برگزاری مراسم مذهبی برای ارامنه و روحانیون اروپائی، شناخته خواهد شد. اما در نامه‌ای که شاه سلطان حسین برای لومی چهاردهم فرستاد و در (سفارتی در ایران در دوره لومی چهاردهم نوشته هربت Herbet) بچاپ رسیده است. (صفحه ۳۶۳-۳۶۲) نوشته شده است که کشیشان و روحانیون ارمنی دستوری مغایر باماده ۲۶ دریافت کرده‌اند.

۳۴- ویلوت (Villotte) همان مرجع - صفحه ۴۶۷.

میشل به زاکلی سوء ظن داشت و تصور میکرد که وی با انگلیسی‌ها برای خیانت باوسازش کرده است. ازین رو او را برای خون‌خواهی دوازه‌نی که در خدمت بفرانسه و در راه شرافت نام فرانسوی جان خود را از دست داده بودند، برمیگزیند و موفق میشود وی را از میان بردارد. هر چند در واقع این ماری پتی بود که دو تن ارمنی مذکور را گرفتار ساخته بود و هم بدرخواست او بود که خان دستور داد که آندورا گردن زنند و سرشان را بمدت دوازده روز جلوی خانه فرانسو بیآویزند. ایمان‌قلی بیک درین ماجرا تنها نقش مترجم را بازی کرده بود اما علی‌رغم این میشل از او دل‌پری داشت.<sup>۳۵</sup>

بنابراین سرزاکلی در تاریخ سه شنبه دوم اوت ۱۷۰۷<sup>۳۶</sup> از بدن جدا شد. چون میشل نخواستہ بود که هنگام اجرای حکم حاضر باشد زیرا او دوست نمیداشت که در چنین صحنه‌هایی حاضر شود و آنچه که خان انجام میدهد بسیار خوب و بجای خواهد بود. سر جدا شده را برای جلب رضایت کامل او نزد وی آوردند،<sup>۳۷</sup> در تاریخ اول نوامبر ۱۷۰۷ میشل، وزیر متبوع خود پون‌شارترن (Ponchartrain) را از مرگ دشمنان فرانسو جدا شدن سر ایمان‌قلی بیک از بدن مطلع میکنند و مینویسد که «برای من مایه مباهات است که درباره آنچه

۳۵- میشل (همان مرجع صفحه ۱۲۹): یکی از دو ارمنی که در راه خدمت بفرانسو جان سپردند شخصی بنام بارون سوفر Baron Sufer بود که فابر در مارس ۱۷۰۶ در قسطنطنیه با او قرار بسته بود که اثاث و خدمه سفارش را که در ساموس Samos باقی گذاشته بود بایران بیاورد. بدنبال نزاعی که بین فرانسویان وابسته سفارت فابر و ایرانیان در گرفت و طی آن دو نفر از افراد خان ایروان کشته شدند ماری پتی، سوفر و کوردولو Cordoulou دو نفر ارمنی تحت حمایت فرانسو را که از دار و دسته خود او نبودند مقرر قلمداد کرد و بدرخواست او خان ایروان ایندو را محکوم بمرگ نمود.

۳۶- این تاریخ‌ها مطابقت با روایت پیدو Pidou ندارد که مورخ ۱۷۰۷/۷/۹ میباشد. درین روایت پیدو نیز به گردن زدن اشاره میکند و واقعه را متعلق بروز سه‌شنبه و تاریخی که جلوتر از تاریخ بالاست میداند. البته ممکن است که تاریخ نسخه دست‌نویس اشتباه باشد (شاید تاریخ صحیح آن ۱۷۰۷/۹/۷ باشد).

۳۷- میشل همان کتاب صفحه ۵۲۵۰.

را که من درین باره انجام دادم تأیید نماید و نیز از اینکه ایرانیان رضایت خاطر مرا جلب کرده‌اند خشنود باشد».<sup>۳۸</sup> لوئی چهاردهم باندازه میشل خیر را باخوشوقتی تلقی نکرد زیرا میشل<sup>۳۹</sup> در بازگشت از سفارت خود هنگامی که بایروان رسیده بود یعنی در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۷۰۸ و در مقر کاتولیک ارامنه این شهر سکونت اختیار کرده بود، از پون شارترن نامه‌ای، فرستاده شده از کاخ فونتن بلو Fontainebleau و مورخ ۶ ژوئیه ۱۷۰۸ بدین مضمون دریافت کرد: «اعلیحضرت پادشاه از اینکه شما موجب ترمیم هتک حرمتی که بعد از مرگ عالی‌جاه فابریملت فرانسه شده بود، فراهم آوردید رضایت خاطر دارند، رفتار شما در چنین ماجرائی اگر بقیامت جان انسانی تمام نمیشد از هر جهت مورد تأیید بود».<sup>۴۰</sup>

اما برعکس در ایران، در بحبوحه این اقدام، مبلغین شادمانی می‌کردند و در جلسات عمومی تأییدات خداوندی را جهت میشل که چنین خدمت شایسته‌ای

۳۸ - میشل همان کتاب صفحه ۵۲.

۳۹ - میشل در هنگام سفر بازگشتش بسال ۱۷۰۸ در چهار منزلی اصفهان به اسرائیل اوری Israel ori ارمنی، متولد کاپانلو Kapanlu واقع در ایران بر خورد میکند که بعنوان سفیر مسکوب دربار شاه ایران میرفته است. او نیز نامه‌هایی از امپراتور برای شاه داشته و حامل نامه‌ای از پاپ اینوسان یازدهم بوده است. وی با خدم وحشمی باشکوه مسافرت می‌کرده و ملاقاتش با میشل دنباله‌ای نداشته زیرا میشل سعی کرده است که در مأموریت او در دربار شاهی، بهتر ترتیب که شده خرابکاری نماید. این شخص در سال ۱۷۱۱ در حاجی طرخان بدرود حیات می‌گوید. زندگانی پر ماجرای اسرائیل اوری شباهت به زندگانی فیلیپ دوزاگلی دارد. کروسینسکی Krusinski در باره او می‌گوید که رفتارش بیشتر بر رفتار بازرگانان شباهت داشت تا به شیوه سفر. رجوع کنید به تاریخ انقلاب اخیر ایران: اقتباس از خاطرات پدر روحانی کروسینسکی نماینده ژوزف هادرا اصفهان ترجمه شده بزبان انگلیسی توسط پدر روحانی دوسروسو Du Cerceau لندن ۱۷۳۳ جلد اول - صفحه ۱۷۵ - ۱۷۸. همچنین رجوع کنید به کارملیت ها در ایران - جلد اول - صفحه ۵۶۵ و یادداشت شماره یک.

۴۰ - مولادولا کلاویر. همان کتاب، صفحه ۱۸۷.

انجام داده بود آرزو مینمودند<sup>۴۱</sup>.

بدینگونه بود که فیلیپ دوزاگلی با دارفانی وداع نمود. از خلال اسناد سه گانه‌ای که درین جا منتشر میشود، فیلیپ دوزاگلی در سال ۱۶۹۶ بعنوان نماینده تام‌الاختیار بازرگانان ایرانی ارمنی‌الاصل جلوه گر میشود. بازرگانانی که به تجارت بین ایران و اروپا اشتغال داشته‌اند و این دادوستد را، سال‌ها پیش، از طریق روسیه آغاز کرده<sup>۴۲</sup> و راهپائی را که

۴۱ - میشل - همان کتاب - صفحه ۶۰ - ۶۱ - رئیس فرقه کاپوسن‌ها Capucins در تبریز در تاریخ ۱۵ اوت ۱۷۰۷ به میشل مینویسد که او از این خبر مرگ بسیار خوشحال است ... و که مبلغین ایران باید تأییدات خداوندی را در ادعیه خویش بمناسبت خدمت شایسته‌ای که شما نموده‌اید برایتان آرزو کنند.

همان کتاب صفحه ۶۲-۶۳ پدر روحانی ریکارد Ricard از فرقه همراهان عیسی از ازرورم بتاريخ ۲۹ اوت ۱۷۰۷ با فرستادن تبریک و تهنیت بخاطر عملی که میشل انجام داده است باو مینویسد: « شما موجب جدا شدن سرایمان قلی بیگ تبه‌کارترین مردمان قس‌القلب‌ترین دشمنان ما شدید. شما امکان برقراری مبلغین را فراهم آوردید و موجب سرشکستگی الکساندر پاتریارش (منظور خلیفه اعظم ارمنه است مترجم) میشوید» صفحه ۸۲، نیز در نامه عالیجناب بازیل Bazil، پدر روحانی از فرقه کارم دشوسه اصفهان، مورخ ۱۵ اکتبر ۱۷۰۷ میخوانیم: «کیفر بحتی که ایمان - قلی بیگ بآن رسید، ایمان قلی بیگی که پادشاهان اروپائی و حتی شاه خودش پادشاه ایران را فریب داده بود، باید برای شما، تا پایان زندگیتان موجب افتخار باشد و در فرانسه مرگ این شخص خیر خوبی خواهد بود» صفحه ۸۳ - پدر روحانی هوگ Hugus، از فرقه کارم دشوسه اصفهان، در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۷۰۷ بمیشل چنین مینویسد: « ما در فرانسه و در ایتالیا ازدادن افتخاراتی که شایسته آن هستید بشما فروگذاری نخواهیم کرد زیرا شما گروههای مبلغین ما را از چنگ ایمان قلی بیگ تبه‌کارهائی بخشیده‌اید. این شخص قس‌القلب‌ترین دشمنان ما بود، عالیجناب چنین عملی باید تأییدات خداوندی را بسوی شما متوجه سازد.»

۴۲ - در باره داد و ستد بازرگانان ارمنی ایران با اروپا، از طریق روسیه، یاد آور شدیم که اولین نماینده تجارت ارمنه جلفا که بسال ۱۶۶۰ بمسکوف رفت، تا با دولت روسیه درین زمینه گفتگو کند، شخصی بنام خواجه ذاکارشری - مانیان یکی از برادران

از ترکیه میگذشت، بعلت درازی و ناامنی رها کرده بودند و خط سیر ایشان از طریق مسکوبه خلیج فنلاند و بندر ناروا (NARVA) که در آن هنگام تحت استیلای سوئد بود، منتهی میشده است.

فیلیپ دوزا گلی که مایل بود به آمد و شدی که از طریق سوئد وجود داشت خاتمه دهد، بعلمی که بعداً با آنها اشاره خواهیم کرد، ازدوک دو کورلاند اجازه میخواست که از سال ۱۶۹۷ خط سیری از طریق قلمرو اوتالیو-

پنجگانه شری مانیان بود که فیلیپ دوزا گلی ما، در سال ۱۶۹۹، علیه آنها بمبارزه میپردازد. شش سال بعد یعنی در فوریه ۱۶۶۶ دو نماینده دیگر همین کمپانی، بنامهای استپان رامادانسکی (Stepan Ramadanski) و گریگور لوسی کف (Grigor Lussikov) (Loussikian) بمسکورفتند تا از روسها اجازه بگیرند که بازرگانان ارمنی جلفا حق صدور ابریشم خام را بروسیه و از آنجا بکشورهای اروپای غربی داشته باشند. تزار الکساندر میخائیلوویچ (Alexi Mikhailovich) دستور خاصی، بتاريخ ۳۱ ماه مه ۱۶۶۷، صادر کرد که طی آن بایشان اجازه ولگا و دریای خزر، بمقصد اروپای غربی، اجازه صدور و حمل کالا را داد. بموجب این قرارداد بازرگانان ارمنی دیگر مجبور بگذشتن از خاک ترکیه نبودند. معیناً قرارداد مورخ ۱۶۶۷ بعلت جنگ دهقانان استپانرازن (Stepanrazin) که از سال ۱۶۶۷ تا ۱۶۷۰ ادامه یافت، و راه تجاری ولگا و دریای خزر را عملاً مسدود ساخت، بمرحله عمل در نیامد. قرارداد تجاری دیگری در تاریخ هفدهم فوریه ۱۶۷۳ بین روسیه و کمپانی تجاری ارمنی جلفا بامضاء رسید و در سال ۱۶۷۶ دولت روسیه مجدداً حقوق بازرگانان ارمنی را بصورت کالای ایرانی، بمقصد اروپای غربی، از طریق روسیه برسمیت شناخت. (مراجعه کنید به و.آ. به بورتیان V.A. Bayburtian و اقلیت ارمنی جلفای جدید در قرن هفدهم، (نسخه اصلی بزبان روسی است) - ایروان ۱۹۶۹ - با خلاصه‌ای بزبان انگلیسی - از صفحه ۱۵۱ تا ۱۶۶). در سال ۱۷۲۹ پاشای عثمانی تبریز بمنظور اینکه مجدداً اعتماد بازرگانان را بخود جلب نماید، با گروهی از تجار ارمنی اصفهان قراردادی امضاء نمود و بموجب آن نرخ تعرفه گمرکی از طریق ترکیه را پائین آورد. مراجعه شود به مجله کتابخانه (بان برمهات نادارانی) - شماره نهم - صفحه ۲۵۳ - ۲۴۱. و مجله مطالعات ارمنی - شماره مخصوص - جلد ششم - صفحه ۴۳۷ - ۴۳۶. و نیز ه. پاپازیان H. Papazian (نقش ارمنه در تهیه ابریشم در ترکیه و قرارداد منعقد در تبریز بتاريخ ۱۷۲۹ - صفحه ۲۵۳ - ۲۵۲).



(LIBAU) (Liepaga) که مهمترین بندر لیتونی بعد از ریگا RIGA میباشد ، اختیار نماید . همانطور که قبلاً اشاره رفت ، چنین بنظر میرسد که حدود سالهای ۱۶۸۹-۱۶۹۰ فیلیپ دوزاگلی سعی کرده بوده که دادوستد ارامنه را متوجه خاک لهستان نماید و در یادداشت مورخ ۱۶۹۶ خود میگوید که او هنوز در لهستان فعالیت‌های زیادی را باید برای استقرار این دادوستد دنبال کند . با این توضیح مسافرت‌های فیلیپ دوزاگلی به هلند ، آلمان ، سوئد ، لهستان ، مسکو ، ترکیه و ایران که تا حد زیادی وقایع نگاران این عهد را به تعجب واداشته است ، بنظر ما بطور بسیار طبیعی ناشی از حرفه بازرگانی او و خط سیری که قهرماً از ایران تا اروپا و بالعکس باید پیمود ، بوده است .

فیلیپ دوزاگلی هنگام ورود بیاریس ، در سال ۱۶۶۹ ، باید بازرگانی بالقوه بوده باشد که در فکر برقرار کردن روابطی ، که بتواند در انجام حرفه اش باو یاری نماید ، باشد . ز اگلی که جاه طلبی جلوی دید گانش را گرفته بود تصور میکنند شاید بهتر باشد که خود را پسر مردی مسلمان ، ثروتمند و بانفوذ از اهالی اصفهان معرفی نماید و اظهار تمایل کند که بآئین کاتولیکی مشرف شده ، غسل تعمید بیابد ، زیرا تمایل دوک دورلثان (آقا) ✽ پدر تعمیدی آینده اش چنین بوده است . بعنوان ارمنی و مسیحی محتملاً میتوانست ، با توجه به «اتحاد روحانی» با رم ، بآئین کاتولیکی درآید . بهمان شیوه که سایر ارامنه ایران با رهبری مبلغین و اغلب به واسطه روابط تجاریشان در اروپا ، بآئین کاتولیکی درمی آمدند . بدون اینکه آئین غسل تعمید مجددی لازم آید . بنابراین بنظر میرسد که او دچار ضعف بارزی شده و تصور کرده است که غسل تعمید مجدد بزحمتش میارزد . اگر روایتی را که باعتبار آن ز اگلی در ترکیه مسلمان سنی شده است و در ایران آئین شیعه را پذیرفته ، قبول کنیم ، باید بپذیریم که اعتقادات مذهبی او بسیار متغیر بوده و همواره رنگ مذهب رسمی کشوری را که از آن میگذشته بخود میگرفته است .

✽ - آقا «Monsieur» لقبی بود که برادر لوتی چهاردهم دوک دورلثان را بآن مینامیدند . م

معهذا یادداشت مورخ سپتامبر ۱۶۹۶ او بدو کدو کورلاند، اورا بعنوان ارمنی مسیحی مذهب که بفکر گرفتن کلیسایی در میتو MITAU و داشتن کشیشی برای بازرگانان هموطنش میباشد. بما می‌شناساند. او حتی دلیل رها کردن خط سیر سوئد را نه تنها بالارفتن حقوق گمرکی در سوئد بیان میدارد، بلکه اضافه میکند که اعلیحضرت پادشاه سوئد رضایت نداده است که بازرگانان ارمنی آزادانه وظایف دینی خود را انجام دهند. باتمام این احوال ماجرای ازدواج او در سوئد و مسائل مربوط بآن نیز شاید درین تصمیم بی‌اثر نبوده باشد. ازدواج او بایکی از بستگان تاورنیه که در آن هنگام در منتهای شهرت بوده است، فقط برای ارضاء جاه‌طلبی و تحکیم موقعیت بازرگانی‌اش بوده زیرا این ازدواج درهای محافل تجاری فرانسه و سایر کشورهای اروپائی را میگشوده است. برای رسیدن باوج اشتها، درحین سفرهایش، او فقط سفارش نامه‌های شاهزادگان مسیحی را بعنوان خلیفه مسلمین در ترکیه و پادشاه ایران کم داشته است که آنرا هم بدست می‌آورد، و این سفارش نامه‌ها مقام و مرتبه‌ای را که بازرگانان و هم‌چنین مبلغین بسیار، خواهان آن بوده‌اند، یعنی مرتبه سفارت را باو تفویض مینماید. بنظر میرسد که درین قسمت نیز موفقیت او کامل بوده است، زیرا وی نامه‌هایی از امپراتور جهت خلیفه مسلمین در ترکیه و پادشاه ایران بدست آورد و لقب سفیر لهستان را در دربار پادشاه ایران کسب نمود.<sup>۴۳</sup>

۴۳- بسیاری از ارامنه و مبلغین اروپائی عنوان سفیر لهستان را در دربار شاه ایران کسب کردند در دوره‌ای که مورد مطالعه ماست، در سال ۱۶۹۸، شخصی بنام زورا بگ Zurabeg، ارمنی کاتولیک و اهل شماخیه این سفارت را عهده‌دار بوده است. نقل از سفرنامه پدر روحانی دولاماز Dela Maze - از شماخیه باصفهان از طریق استان گیلان - ( رجوع کنید به نامه‌های عبرت‌انگیز و تعجب‌آوری مربوط به آسیا، آفریقا، آمریکا همراه چند خیرتازه از گروه‌های مبلغین و یادداشت‌هایی در باره جغرافیا و تاریخ منتشر شده تحت رهبری م - ل - ایمه مارتن M.L. Aime Martin - پاریس ۱۸۷۷-۱۸۷۵ - جلد اول-

درباره باقی مطالب ، بنظر میرسد که باید با احتیاط بقول سیاحان و مبلغین اروپائی درباره او عنایت کرد.

صفحه ۳۵۸-۳۵۷ وصفات بعدی. درین مجموعه چنین میتوان خواند که : « دوک ساکس Saxe هنگامیکه بعنوان پادشاه لهستان تاج گذاری کرد ، شخصی بنام زورابگ ارمنی کاتولیک اهل شماخیه افتخار یافت که نامه های شاه سلیمان پادشاه ایران را باو عرضه دارد ، اعلیحضرت پادشاه لهستان بهمین نحو باو افتخار داد که حامل پاسخ او برای شاه سلطان حسین جانشین شاه سلیمان باشد.»

در سالهای ۱۶۹۵ و ۱۶۹۶ مرد روحانی دیگری از اهالی اطیش بنام برادر روحانی کنراد Conrad از فرقه کارم دشوسه ، دوبار بعنوان فرستاده پادشاه لهستان از رم باصفهان میروید. (رجوع کنید به کارملیت ها در ایران، جلد اول، صفحه ۴۷۹، جلد دوم صفحه ۸۶۲). در سال ۱۶۹۴ سفیر لهستان پدر روحانی دیگری است بنام اینیاتیوس زاپولسکی Ignatius Zapolski که از فرقه همراهان عیسی است و در یکی از خانواده های اشرافی لهستان متولد شده بوده است.

در سال ۱۶۸۹ کنت دوسیری Syri ارمنی کاتولیک مذهب بعنوان سفیر لهستان بایران میروید و حامل نامه های پادشاه فرانسه لویی چهاردهم است. او نامه هایی نیز برای شاهزادگان و امپراتور چین داشته است. (رجوع کنید به پدر روحانی ویلوت در همان کتاب صفحه ۹۴) پدر روحانی آوریل Avril در کتاب خود بنام سفر به قلمروهای گوناگون ایروان و آسیا-پاریس - ۱۶۹۲- در مورد این شخص در صفحه ۲۶۱ و بعدی چنین میگوید : این سفیر که اصلیت او ارمنی بوده است بعد از اینککه خانواده اش مورد بی مهری قرار گرفت در سن کودکی بدربار پرتغال برده شد و در آنجا باین ملازمان پادشاه ناسن هیچنده یابیبست سالکی پرورش یافت. هنگامیکه بسن بلوغ رسید سودای سفر کردن و علاقه براه یافتن در محضر بزرگان اذراه آشنائی بزبانهای آسیائی و اروپائی که بایشت کار عجیبی آموخته بود، دراو غلبه کرد ، سودائی که در طبیعت تمامی هم میهنانش وجود دارد. در راه این تصمیم بعد از گرفتن سفارشنامه هایی بسیار مؤثر، جهت بسیاری از بزرگان تقریباً تمام قلمروهای پادشاهی. از شاهزادگان پرتغالی و فرانسه، ایتالیا و آلمان را پشت سر گذاشت و بالاخره به لهستان رسید. درین کشور بزودی چه از نظر حسن اخلاق و ذکاوت و چه از نظر رفتار مؤدبانه خود را بهمه شناسانید. او در ماه مه سال ۱۶۹۰ دشر اصفهان بدرود حیات گفت و عقیده براین است که جوانی از فرقه لوتر، از اهالی دانتزی Dantzy که در خدمت اومی زیست وی را خفه کرده باشد.

نباید نادیده گرفت که فیلیپ دوزا گلی در محیط ناآرامی که در جلغا بین سالهای ۱۶۹۴ و ۱۶۹۹ حکم فرما بود، زندگی میکرده است. در ایامی که نزاع قلمی دریک سو مبلغین و آرامنه کاتولیک و در صفا مقابل اکثریت آرامنه و رؤسای مذهبی ایشان را قرار میداده است. نقش فیلیپ دوزا گلی در این ایام و ماجراهای آن هر چه باشد، آنهایی که وقایع را نقل کرده اند یا خود بازیگر متعصب صحنه یا از شهود ذینفع، که نتوانسته اند گزارشی باروشن بینی و بی طرفی لازم ارائه دهند، بوده اند.

ملاحظاتی از همین قبیل درباره نامه‌ای که میشل و خلیفه اعظم پیدو-دوستن الون درین گیرودار باو نسبت میدهند، باید مرعی داشت. گیروداری که سفارت نافرجام فابر و جانشینش ماری پتی، « فرستاده شاهزاده خانمهای فرانسه » و منشی سفارت، یعنی خود میشل که ادعای سفارت داشته است، بوجود آورده بودند، روشن کردن تمام این مطالب مستلزم تحقیقات عمیق‌تر و احتمالا بکار بردن منابع ارمنی که درین تحقیق بآن دسترسی نبود، میباشد. هر چند اگر چنین منابعی هم موجود باشد باید منتظر بود که آنها نیز بمانند منابع اروپائی که درین تحقیق بکار رفته است، مورد احتیاط و تردید باشد، اما این مسئله کاملا موضوع این تحقیق نیست، زیرا هدف این پژوهش فقط نمایان کردن اعلامیه فردریک کازیمیر دوک دو کورلاند Frederic Casimir Duc De Courlande در مورد برقراری تجارت ایران، بنابه پیشنهاد فیلیپ دوزا گلی و بنام بازرگانان ارمنی ایران میباشد.

(ویلوت-همان کتاب صفحه ۱۵۷). ارمنی دیگری که در لهستان متولد شده است بنام سیمون پتروویچ Simon Petrowitz نیز بایران فرستاده شد اما او قبل از رسیدن بایروان درگذشت و باین ترتیب موفق نشد مأموریتی را که پادشاه ژان سوم سوبیسکی (Jean III Sobieski ۱۶۹۷-۱۶۷۴) باوداده بود و خود نیز کمی بعد از او بدرود حیات گفت، بانجام برساند. (نامه پدر روحانی ریشارد - اس - ژ (Richard S.J.). مورخ هفتم اوت ۱۶۹۷ - در مجموعه نامه‌های عبرت آور مجلد ۳۳۷).

هر چند که اسناد سه گانه‌ای که مورد مطالعه ماست همیشه اشاره به تجارت ایران و ایرانیان میکند، درین موضوع بخصوص جای شبهه باقی نیست که ایرانیانی که فیلیپ دوزاگلی بنام آنان، باستناد و کالت نامه که در مسکو تهیه شده بوده است، صحبت میکنند، افرادی جز ارامنه ایران نمیتوانند باشند. زیرا در یادداشتی که بحضور تقدیم کرده است، تحت ماده چهارم میگوید: «بایرانیان اجازه داده خواهد شد که درین سرزمین کلیسایی داشته باشند و یکنفر از کشیشان خود را در آنجا نگاهداری کنند و از آزادی انجام فرایض دینی برخوردار باشند. و الاحضرت به کشیش نامبرده به نشانه احسان و نیز برای هفتخر ساختن ایرانیان و جهت تشویق جنبه‌های اخلاقی و مذهبی ایشان مبلغ ۵۰ تا ۶۰ سکه ریکسدال Rixdales مقرر می‌گردد و ایشان خواهند فرمود.»

درباره این بند باید نظریات نجبا و اشراف کورلاندر را یادآوری کرد. زیرا ایشان تصور میکنند که ممکن است دشواری‌هایی پیش آید که مذهب بیگانه داخل کشورشان شود و در آن مجاز باشد. ولی هنگامیکه متوجه میشوند که این مذهب بر اساس مذهب مسیح میباشد و در روسیه و لهستان<sup>۴۴</sup> نیز مجاز است، نتیجه میگیرند که این امر بهیچوجه گرفتاری ببار نخواهد آورد، بخصوص که چنین تجارتی همبایست نوعاً ترقی و توسعه کشورشان را سبب شود. ازین رو تصمیم استقرار کشیش نامبرده را باراده و میل و الاحضرت دوک کورلاند واگذار میکنند.

در اعلامیه فردریک کازیمیر دوک کورلاند، مورخ ۱۸ سپتامبر ۱۶۹۶، چنین آمده است: «ما بایرانیان اجازه برگزاری مراسم مذهبی خود را در این سرزمین تفویض میکنیم و در ابتدا ایشان همراه با کاتولیک‌ها و در کلیساهای ایشان بمراسم مذهبی خویش خواهند پرداخت. اما اگر با گذشت زمان چند

۴۴- ارامنه لهستانی بطور قطعی در سال ۱۶۳۰ به رم پیوستند.

خانواده ایرانی ناگزیر باقیامت در سرزمین ما شدند، ما عنایت خواهیم کرد و بیشتر درین باره بنحوی که ممکن باشد توضیح خواهیم داد. با توجه باین اصل که مذاهب وابسته و مربوط به مذهب کاتولیک درین سرزمین، البته تحت شرایطی چند، از آزادی انجام فرایض دینی برخوردار هستند.»

این شرایط را میتوان بامواد مندرجه در قرارداد منعقد در لندن بتاريخ ۲۲ ژوئن ۱۶۸۸ بین کمپانی هند شرقی و مملت ارمنی<sup>۴۵</sup> به نمایندگی خواجه پانوس کلانتار Panous Calentar بازرگان ارمنی اصفهان که در لندن اقامت داشته است، مقایسه کرد. این قرارداد بمنظور این بوده است که انگلستان از هندوستان و ایران قسمت اعظم کالای تجاری ارامنه را که قبلا از راه زمینی و از طریق ترکیه حمل میشده است از راه دریا بسوی اروپا حمل نماید. درین قرارداد حکمران لندن و کمپانی بازرگانان این شهر که در هند شرقی به داد و ستد مشغول بوده اند، چنین معین میکنند که در تمام قلاع، شهرها و آبادیها هر گاه بیش از ۴۰ ارمنی وجود داشته باشد، اینان از آزادی برگزاری مراسم مذهبی خود برخوردار خواهند بود و قطعه زمینی نیز به ایشان داده خواهد شد که بتواند کلیسایی بخرج کمپانی بامصالح محکم بنا کنند، و ازین گذشته، کمپانی مبلغ ۵۰ لیره. هفت سال متوالی، برای نگهداری کشیش این کلیسا خواهد پرداخت.

ماده هشتم یادداشت فیلیپ دوزا گلی نیز جالب توجه است. او در این ماده اجازه میخواهد که هموطنانش آزادی خرید مستملکاتی را در کورلاند داشته باشند و بتوانند از کشورهای دیگر همه نوع صنعتگر برای کار باین سرزمین بیاورند. عکس العمل طرف مقابل نیز قابل توجه میباشد زیرا نجبا و اشراف کورلاند با این ماده مخالفت میکنند و خاطر نشان میسازند که برای

۴۵ - رو - فریه R.W. Ferrier قرارداد کمپانی هند شرقی با مملت ارمنی مورخ

۲۲ ژوئن ۱۶۸۸ (به ماده بعدی رجوع کنید).

☆ - در متن «Calentar» مترجم.

کتابخانه ملی ایران

هیچکس امکان تصاحب مستملکاتی در این سرزمین وجود ندارد، مگر این که بطبقه نجبا و اشراف کشور متعلق باشد. ( ماده هشتم ) و که در هر حال، شرط احتیاط است که جلوی بلند پروازی های ایرانیان گرفته شود. علاوه بر این، اشراف نامبرده اشاره میکنند که اگر ایرانیان همه نوع آزادی برای استقرار بازار گانان و صنعتگران داشته باشند «موجب ورشکستگی شهرها و صنعتگران و نیز نقصان یافتن در آمد گمرکی خواهند شد.» در واقع دوک - دو کورلاند در (ماده پنجم) اعلامیه خود اجازه داد که ایرانیان حق مستقر شدن در قلمرو وی را داشته باشند و نیز از امکانات زندگانی بورژوازی برخوردار بوده، بتوانند کارخانه های ایجاد نمایند. دوک دو کورلاند علاوه بر این به ایرانیان اجازه معامله کردن املاک با نجبا و سایر ساکنین قلمرو خود را تفویض میکند، (ماده هفتم)، مشروط باینکه هر گاه ایرانیان قصد خرید بعضی از املاک را از راه رهن و یا اجاره دارند، او را در جریان امر قرار دهند علاوه بر این دوک دو کورلاند بایرانیان حق میدهد، (ماده هشتم) که باستقراض مبالغی که برای سفر بآن نیازمندند از بورژواها و یا افراد دیگر باعتبار کالای تجاری شان دست بزنند و البته آرزو میکند که، بعدها بمرور ایام این نوع مواد همانطور که فیلیپ دوزاگلی بآن اشاره ضمنی میکند، بدون استفاده بمانند. فیلیپ دوزاگلی (در ماده نهم یادداشت خود) اضافه میکند که بعد از دو یاسه سفر تجار دیگر نیازی باستقراض نخواهند داشت و ممکن است حتی بتوانند مبالغی هم بدیگران بقرض واگذار نمایند. ۴۶

این اسناد سه گانه حاوی اطلاعات مفیدی است که ما زحمت تدقیق آنرا

۴۶- در دوره سلسله یوگلون های لیتوانی Jugellons که در لهستان حکومت کردند (۱۵۷۲-۱۳۸۶) آرامنه به چنان درجه از ثروت و مکتت از راه دادوستد باخاور نزدیک رسیدند که قادر بودند مبالغ هنگفتی پول به شاهزادگان و حتی بیادشاهان لهستان برای صورت بخشیدن بوضع قشون قرض بدهند. (ارامنه در خدمت روابط سیاسی لهستان - نوشته پطروویچ (Gre. Petrovicz)

بمهده متخصصان داد و ستدهای تجاری قرن هفدهم میگذاریم: از جمله حقوق گمر کی و نحوه پرداخت آنها به سه نرخ متفاوت بسته بمرغوبیت ابریشم ما در مورد سایر کالاها مانند پنبه، پشم، چرم روسی، موم، کندر، ریوند، مشک، چرم دباغی شده، فرش، پارچه های ابریشمی زربفت و نیز انواع پارچه های پنبه ای بافته شده در ایران را باید نام برد.

نیز باید دانست که در مورد جواهرات و مروارید هائی که ترانزیت هستند و از پرداخت حقوق گمر کی معاف میشدند دوک دو کورلاند میتوانسته آنچه را که بآن تمایل داشته است تنها با پرداخت ۵ درصد سود، با احتساب قیمت خرید آن در هندوستان و یا در ایران بدست آورد.

در این اسناد شرح و تفصیل های در خورتوجهی مربوط به نرخ حمل و نقل کشتی هائی که از بندر لیپو Liebou به هلند و یا پرتغال و یا بنادر دیگر اروپائی میروند، بر حسب عدل کالا و یا صندوق مال التجاره و یا کرایه یکنفر مسافر و بار و بنه او بچشم میخورد.

لیسبن - ربر تو گلبنگیان

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ترجمه سند شماره يك:

یادداشتی بسیار ناچیز درباره داد و ستد و تجارت ایرانیان که به پیشگاه والا حضرت دوک دو کورلاند<sup>۴۷</sup> توسط فیلیپ دوزا گلی: ایرانی، اهل اصفهان، پایتخت ایران تقدیم شده است.

پوشیده نیست که از چندین سال پیش، ایرانیان تجارت خود را بطرف اروپا، از طریق خاک روسیه دنبال میکرده اند؛ و اکنون کلیه تجار بزرگ ایرانی مصمم شده اند که تجارت خود را، بطرف اروپا، از طریق روسیه تعقیب نمایند، و راههای عبوری از میان خاک ترکیه را، بعلت بعد مسافت

۴۷- منطقه ای در لتونی واقع در مغرب خلیج ریکا.



دشواری و ناامنی های آن ، رها سازند: زیرا تجار ایرانی اکنون در جستجوی راهی کوتاه و آسانند که توسط آن مال التجاره خویش را ، از مرز روسیه ، بیکی از بنادر برسانند ؛ و از این بندر [تجار نامبرده] در صدند که باقصی نقاط اروپا تجارت خود را بسط دهند :

خواه در براندبورگ Brandenburg یا دانزیک Dantzig یا دانمارک و یا هلند و غیره و یا سایر نقاط اروپا . تجار ایرانی در صدند که راه خود را از مسکو بطرف اسمولنسک Smolensk یا بطرف بسکی beski (؟) ، در پیش گیرند و از آنجا از راه زمینی از طریق قلمرو لیتوانی Lituanie به شهر ویتبسک Vitebsk و از آنجا از طریق رود خانه دری نا Drina تا دوبناه Dubenah و از آنجا از طریق زمینی و دریائی تا شهر میتو Mitau<sup>۴۸</sup> و از شهر میتو از راه زمینی تا بندر لیو<sup>۴۹</sup> Libau و بالاخره از بندر لیو باقصی نقاط اروپا ، بمیل خود ، مال التجاره خویش را حمل نمایند و در امکانه نامبرده در بالا بتجارت بپردازند .

شرایط بقراردیل خواهد بود .

۱ - والا حضرت عنایت فرموده بایرانیان هم در شهر دوبناه ، هم در اینجا ، و هم در لیو منزلی سنگی و محکم و آبرومند واگذار نمایند ، تا ایشان هنگامیکه باین سه شهر نامبرده در بالا میرسند ، بتوانند در امن و امان با مال التجاره خویش اقامت گزینند .

۲ - والا حضرت هم چنین عنایت فرموده بایرانیان هر بار که از قلمرو لیتوانی باینجا میرسند آزادی عبور از دوبناه به لیو و هنگام بازگشت از

۴۸- میتو که پایتخت قدیمی کورلاند میباشد امروزه ایل گاوا Ielgava یا یل گاوا - Ielgava نامیده می شود و شهری است که در داخل قلمرو لتونی در چند فرسخی ریکا پایتخت قدیمی لیونی یا لتونی کمونی قرار دارد .

۴۹- لیو که امروزه بنام لیاگا Liepaga یا لیاوا Liebava نامیده می شود از بنادر مهم لتونی میباشد . (دومین بندر بعد از ریکا) .

لیوو به دون بورگ Duneburg اعطاء فرمایند ۵۰ .

۳ - والا حضرت [ایرانیان] نامبرده و مال التجاره و خدمه آنسان را در مقابل هر نوع فشار و هر نوع پرداخت فوق العاده ، مخاطره ، سرقت ، خشونت بی عدالتی در قلمرو خود و برابر قوانین خویش حمایت خواهند فرمود .

۴ - بایرانیان اجازه داده خواهد شد که درین سرزمین کلیسایی داشته باشند و یکنفر از کشیشان خود را در آنجا نگاهداری کنند ، و از آزادی انجام فرایض دینی برخوردار باشند ، والا حضرت به کشیش نامبرده به نشانه احسان و نیز برای مفتخر ساختن [ایرانیان] وجهت تشویق جنبه های اخلاقی ایشان مبلغ ۵۰ تا ۶۰ سکه (ریکسدال) مقرر می مرحمت خواهند فرمود .

۵ - تمام ایرانیانی که با خانواده خود درین شهر یعنی میتوویا در سایر امکنه محدود در قلمرو والا حضرت مستقر میشوند ، هر يك بنا بمرتبه خود از تمام آزادیها و از [کلیه] امتیازاتی که بندگان والا حضرت از آن برخوردارند بدون استثناء بهره مند خواهند شد .

۶ - ایرانیان در همه جا ، بدون ایراد و اشکالی آزاد خواهند بود که به تجارت و دادوستد خود بپردازند و حجره هایی باز کرد و همه نوع کار گاه و کارخانه داشته باشند .

۷ - در طول چهار سال کامل متوالی ایرانیان از پرداخت کلیه حقوق گمرکی و مخارج آن و یا مالیات غیر مستقیم و هر نوع خراج دیگر بدون استثناء معاف خواهند بود .

۸ - ایرانیان آزادی خواهند داشت که املاکی درین کشور خریداری نمایند و از کشورهای بیگانه همه نوع صنعتگر باین سرزمین فراخوانند و این املاک ، در همه حال و وقت ، مایملک ایرانیان باقی خواهد ماند .

۵۰ - دون بورگ ، امروز دو گاویلیس نامیده می شود و در کنار رود دوینا Dvina که امروز دو گاوا Daugava نام دارد قرار گرفته است .

۹ - والا حضرت عنایت خواهند فرمود و امر به تشکیل صندوقی خواهند داد تا در آغاز کار، هنگامیکه ایرانیان با مال التجاره خود باینجا می‌رسند، هر گاه احتیاج بمبلغی پول داشتند، بتوانند از این صندوق دریافت دارند.

۱۰ - وجه نامبرده در بالا که بضمانت مال التجاره ایرانیان پرداخت خواهد شد، خواه در آمستردام با [سود] ۶ درصد و خواه هنگام بازگشت باینجا با سود ۱۰ درصد تأدیه خواهد شد. این موضوع تا وقتیکه ایرانیان بین یک تا سه بار باینجا بازگردند و با محیط آشنائی پیدا کنند و چند نفری از میان ایشان در میان خود باندازه کافی پول خواهند داشت. بعد از آن ایرانیان دیگر نیازی به قرض خواستن نخواهند داشت، زیرا در میان خود باندازه کافی پول خواهند داشت. و حتی ممکن است بتوانند از آن ب دیگران نیز قرض بدهند.

۱۱ - والا حضرت عنایت فرموده و دستور خواهند داد که بمنازل ایرانیانی که در بالا از آن صحبت شد چه در اینجا، یعنی میتو، و چه در دوبناه و لیبو، همه ساله مقداری همیزم و علوفه و گاه داده شود.

۱۲ - والا حضرت در هر یک از این منازل کارگزاری با دو سه خدمتکار خواهند فرستاد که کارشان هم مراقبت از اموال موجود خواهد بود و هم، در خارج و یا در داخل منزل، آنچه را که ایرانیان بآن نیازمندند تهیه خواهند کرد. در عوض باین کار گزار در مقابل هر عدل کالا یک سوم ریگسدال پرداخت خواهد شد و او با این پول خدمتکاران نامبرده را، از روی قراردادی که وی باید با ایشان بنحو شایسته‌ای ببندد، مقرر می‌خواهد داد.

۱۳ - ایرانیان همراه خود مترجمی خواهند آورد و باویک سوم ریگسدال در قبال هر عدل کالا خواهند پرداخت. اما والا حضرت عنوان مترجمی دربار باو اعطاء خواهند فرمود و سالیانه حقوقی حدود یکصد ریگسدال جهت او مقرر خواهند فرمود.

۱۴ - اگر در بندر لیبو کشتی‌های والا حضرت آماده لنگر برداشتن بسوی هلند یا پرتغال و یا سایر امکنه اروپائی باشند، ایرانیان مجاز خواهند

بود که مقدم بر همه، البته با شرایط زیر، از این کشتی ها استفاده کنند. ایرانیان برای هر عدل و یا صندوق مال التجاره کرایه ای معادل با نیم ریگسدال از لیو تا دانزیک، کول برگ Kolberg و اشتین Stettin و یک ریگسدال تا لوبک Lubeck، کپنهاک یا هلنسگور؛ و دو ریگسدال تا آمستردام، رتردام یا میدلبورگ Middelburg در زلاند Zelande و دو ریگسدال و نیم تا دور، لندن و دنکرک و کاله؛ و سه ریگسدال تا دی پ، لاروشل، برست، نانت، و چهار ریگسدال و نیم تا لیسین خواهند پرداخت.

۱۵ - برای هر نفر و بار و بینه او ایرانیان نیم ریگسدال از لیو تا دانزیک گلبرگ Kolberg هلنسگور Helsingor و یک و نیم ریگسدال تا آمستردام، رتردام، میدلبورگ Middelburg یا دنکرک Dunkerque کاله و لندن؛ و دو ریگسدال و نیم تا لاروشل La Rochelle برست Brest و لیسین و غیره خواهند پرداخت.

۱۶ - ایرانیان اجازه خواهند داشت که هر نوع مال التجاره ای را، نه تنها از ایران و روسیه و لیتوانی و لهستان، بلکه از سایر کشورهای اروپائی باین کشور حمل و نقل نمایند. البته با رعایت شرایط و آزادیهای که درین یادداشت قید شده است.

۱۷ - هنگامیکه ایرانیان با مال التجاره خود از ویلدا Wilda و پوزول - Pozwol قصد آمدن به میتورا دارند، از طریق راه آبی با وسایل حمل و نقل آزاد لهستانی تا بشکه Bauschke مسافرت خواهند کرد. اما از بشکه همانطور که در بالا اشاره شد، ایشان از وسایل حمل و نقل و الاحضرت تا شهر میتو و سپس تالیوو استفاده خواهند کرد برعکس هنگامیکه ایرانیان قصد دارند با مال التجاره خود از لیوو بسوی پوزول در لیتوانی روانه شدند، وسایل حمل و نقل و الاحضرت آنان را با مال التجاره در تابستان از لیوو تا سالاتی SALATY از راه آبی و بعد با راه و در زمستان با استفاده از سورتمه حمل خواهند کرد.

۱۸- هنگامیکه چهار سال معافیت از پرداخت حقوق گمر کی وغیره سپری شد، ایرانیان به والاحضرت حقوق گمر کی را با شرایط زیر پرداخت خواهند کرد هنگامیکه مال التجاره از ایران، روسیه ولیتوانی میرسد ویا هنگام بازگشت از راه دریا، از دانزیک، براندبورگ وغیره دودرصد؛ ویک درصد علی السویه در میتو، دوبناه لیبو، بشکه ویاسایر امکانه واقع در کورلاند.

۱۹- اما اگر این شرایط مورد قبول والاحضرت نباشد، ایرانیان حاضرند بعد از سپری شدن چهار سال معافیت گمر کی، بعنوان پرداخت حقوق کلیه کالاهای حمل و نقل شده بداخل وخارج این کشور، بدون توجه به جنس ویامبدأ یعنی روسیه، ایران، لهستان ویاسایر کشورهای اروپائی، من حیث المجموع ۱۴۰۰۰ ریکسدال در سال اول ویا بحساب دیگر در سال پنجم، ۱۶۰۰۰ ریکسدال در سال دوم ویا بحساب دیگر ششم، ۱۸۰۰۰ در سال سوم ویا هفتم و بهمین ترتیب هر سال ۲۰۰۰ ریکسدال بیشتر تا مبلغ ۴۰۰۰۰ ریکسدال بپردازند؛ واین ترتیب، بهر حال حقوق گمر کی بمبالغ ذکر شده منحصر میگردد. خواه ایرانیان زیاد و کم حمل و نقل کالا داشته باشند.

۲۰- در صورتیکه ایرانیان با افزایش حقوق گمر کی وجه نقد جهت پرداخت این حقوق نداشته باشند، مبلغ مقرر را بضمانت مال التجاره خود به والاحضرت باسود چهار درصد در آمستردام تسلیم فرستادگان والاحضرت خواهند کرد و اگر والاحضرت مایل باشند که منتظر بازگشت ایرانیان و مال التجاره آنان بشوند این مبلغ باسود هشت درصد پرداخت خواهد شد.<sup>۵۱</sup>

۵۱- فیلیپ دوزاگلی به پرداخت حقوق گمر کی با چهار درصد سود در آمستردام متمهد میشود زیرا درین شهر است که تجار بلافاصله بعد از فروش کالاهای خود پول نقد دریافت میکنند اما چون امکان این بوده است که او بتواند در آمستردام یا در قدام از پارچه های انگلیسی وسایر کالاها، جهت فروش در سفر بازگشت، بارگیری کند، او پیشنهاد دیگری میکند باین معنی که سودی معادل هشت درصد بهنگام رسیدنش به میتو بپردازد.

و یادداشت و ترفیفات سیاحی که در ایران وارمنستان اقامت داشته است و بکار توصیف



اینکه والا حضرت بجای پول نقد کالای ابریشمی و سایر کالاهای ایرانی را خواهند پذیرفت.

چون در حال حاضر سه نوع ابریشم وجود دارد: ابریشم شعر بافی، لاهیجانی، و کنار، و کنار ۵۲، بعنوان حقوق گمر کی دولیور، ابریشم شعر بافی معادل ۷۶ ریکس دال پول نقد و ابریشم لاهیجانی معادل ۶۰ ریکس دال پول نقد و ابریشم کنار معادل ۴۰ ریکس دال در محاسبه محسوب میگردد. درباره سایر کالاها بعنوان پرداخت حقوق گمر کی، قیمتی مناسب برای آنها معین خواهد شد، بنحوی که باین قیمت سودی عاید ایرانیان گردد.

۲۱- هنگام بازگشت ایرانیان از هلند و یا از سایر کشورهای اروپائی، کالای تجارتی آنان در اینجا متناسب با قیمت خرید در هلند و یا کشورهای دیگر، مالیات بندی خواهد شد؛ و [در مورد این کالاها] یک درصد حقوق گمر کی در نظر گرفته خواهد شد؛ و اگر پول نقد همراه نداشتند، حقوق گمر کی باعین کالای

این کشورها و یا تجارتی که در آنجا و نیز در قلمرو هندوستان بزرگ، مغولستان، چین، مسکو و ترکیه میتوان داشت پرداخته است.

«رساله ای درباره دادوستدی که ارامنه میتوانند در فرانسه داشته باشد، انواع کالاهائی که ارامنه میتوانند از مشرق زمین بفرانسه وارد کنند.» منتشر شده بدون نام نویسنده در ملحقات دولت ایران در سال ۱۶۶۰، نوشته پدر روحانی رافائل دومان - رجوع کنید به صفحه ۳۵۰-۳۵۱ و نیز یادداشت شماره یک صفحه LXXII

☆ - در متن ( Scharpafi ) مترجم

☆☆ - در متن ( Laygeany ) مترجم

☆☆☆ - در متن ( Knar ) مترجم

۵۲- [ایرانیان] سه نوع ابریشم تشخیص میدهند. اولین نوع را ایشان «سر» مینامند نوع دوم را «شکم» و نوع سوم را «پا» نام میدهند. بزبان فارسی ابریشم سر، سرباقسی نامیده میشود که نازک تر است ابریشم شکم خرواری است و بالاخره کنار (Quenart) یا پا که زمخت تر است نوع سوم میباشد..... رجوع کنید به همان کتاب صفحه ۳۴۲ و بعدی.

☆☆☆☆ - ( واحد وزن بارزشهای متفاوت در کشورهای مختلف (در فرانسه معادل نیم-

کیلو) مترجم

تجارتی پرداخت خواهد شد. فقط باین شرط که برای ایرانیان ۵ در صد سود در نظر گرفته شود.

۲۲- همانطور که در بالا اشاره رفت، چون ابریشم که بهترین و بااهمیت ترین و فراوان ترین کالای تجاری است که ایرانیان باروپا حمل میکنند؛ [ و نیز چون ابریشم شامل سه نوع مختلف است، ضرورت ایجاب میکند که اینجابهای گمر کی آن معین و ثابت گردد تا ابریشم همیشه بربیک پایه ارزشیابی شده و بیک قیمت در نظر گرفته شود و بر مبنای این قیمت حقوق گمر کی کسر گردد. از این رو ایرانیان عاجزانه درخواست میکنند که ابریشم شعر با فسی به ۵۴ ریکسداال ابریشم لاهیجانی به چهل ریکسداال و ابریشم کنار به ۳۰ ریکسداال قیمت بندی شود. ولی سایر کالای تجاری مانند پنمه، پشم، چرم روسی، موم، کندر، ریوند، مشک، چرم دباغی شده، قالی، پارچه های ابریشمی زربفت و نقره بفت و نیز انواع پارچه های پنمه ای و سایر کالای تجاری بقیمتی منطقی ارزیابی شده و حقوق گمر کی بر مبنای این قیمت معین خواهد شد؛ ولی جواهرات از پرداخت حقوق گمر کی معاف خواهد بود، البته باین شرط که کلیه جواهرات برویت و الاحضرت رسانیده شود و ایرانیان باینچ در صد سود بر مبنای قیمت خرید در هند و یا در ایران، آنچه را که مورد پستند و الاحضرت قرار گیرد و مایل باشند آنرا ایتباع فرمایند، و اگذار نمایند.

۲۲- [ عیناً همین شماره بجای شماره ۲۳ ] اگر همانطور که در بالا درخواست ایرانیان بود و الاحضرت به منازل ایرانیان سالیانه مقداری هیزم و علوفه عنایت فرمودند و ایرانیان تمامی این هیزم و علوفه را بمصرف نرسانیدند، بنحوی که در پایان سال مقداری از آنها باقی ماند، [ این مقدار باقی مانده ] بفروش خواهد رفت و پول آن صرف تعمیر منازل نامبرده در بالا خواهد شد. اگر و الاحضرت لطف فرموده قصد تغییر بعضی از مواد این یساده است را داشتند، از پیشگاه

مبارک درخواست عاجزانه میشود که مطالعه این امر را بوزرای خود فرمان دهند و یاهیئت مشاوره ای گرد آورند تا تصمیمی سریعاً اتخاذ گردد زیرا در مورد همین دادوستد این بنده کارهای فراوانی در لهستان باید دنبال کند و رجاء واثق دارد که با کمک پروردگار در سال آینده، ایرانیان بتوانند به داد و ستد از طریق کورلاند آغاز نمایند، البته مشروط باینکه والا حضرت از سرعنایت پیشنهادات این بنده را بپذیرند.

میتو هشتم سپتامبر ۱۶۹۶ فیلیپ دوزا گلی.

### ترجمه سند شماره دوم

#### شماره ۱۵۴۲

بعد از اینکه شخصی ایرانی بنام فیلیپ دوزا گلی بحضور والا حضرت باریافت و دریادداشتی که با حرف الف (A) ارائه میشود پیشنهاداتی در مورد داد و ستد ایرانیان در کورلاند و از طریق کورلاند بسوی سایر امکنه تقدیم نمود، والا حضرت از روی عنایت این پیشنهادات را پذیرفته و برای بررسی یادداشت تقدیم شده، و نیز جهت شور در باره این مسئله، اشخاص زیر را مأمور نمودند:

آقای میخائل روپرشت ( Michael Ruprecht ) رایزن دولتی .

آقای کریستیان ویلهم تو (Hristian Wilhelmtau) رایزن دربار

آقای دیرک وان هینسبرگ ( Dirck Van Hinsberg ) رئیس تجارت

آقای یوهان بوورت ( Johann Bewert ) قاضی القضاات  
 آقای بارتل یوهانینگ خویشاوند یکی از رایزنان  
 در میتو

آقای ومرد کر ( Wemmer Decker ) بورژوا و بازرگان درین محل

آقای ایلارد اینکن ( Ilard Ihncken )



پنجم سپتامبر ۱۹۶۶

هیأت شورای نامبرده در بالا که بمنظور شور با ایرانی مذکور بررسی یادداشت اومعین شده بودند، کار خویش را آغاز نمودند و بعد از اینکه ایرانی نامبرده در بالا فیلیپ دوزاگلی را به شور دعوت کردند و شرایطی را کهسه والا حضرت عنایت فرموده جهت بررسی یادداشت و پیشنهاداتش معین فرموده بودند با اطلاع وی رسانیدند، اعضای عالی مقام هیأت شورای تعیین شده، اظهار امیدواری کردند که وی [ایرانی] شرایط نامبرده را بمنتهی پذیرا خواهد شد و از آنجا که اساساً شورا میبایستی بدانند که با چه شخصی باید گفتگو کند و امکانات او تا چه پایه ایست، لازم بود که ایشان وضعیت شخصی خود را رسماً توجیه کند و اجازه نامه‌ای به رؤیت شورا برساند. نامبرده این شرط را پذیرفته و اجازه نامه‌ای ارائه داده بود، اما چون این اجازه نامه بزبان و خط ایرانی، یعنی بزبانی ناآشنا نوشته شده بود، اعضای عالی مقام هیأت شورا از او خواستند که این اجازه نامه را بزبان آلمانی<sup>۵۳</sup> ترجمه نماید و آن ترجمه را بآنها بازگرداند. هنگامیکه ادامه مذاکرات ممکن گشت از او سؤال شد که آیا قبلاً ایرانیان در ناروا Narva داد و ستد داشته‌اند یا خیر و بچه دلیل اکنون ایشان مایلند داد و ستدی را که تا بحال در آنجا داشته‌اند رها نمایند، باین سؤال وی پاسخ داد که دلایل خاصی وجود ندارد، باین معنی که علت ترك این شهر، بالا بودن حقوق گمرکی بوده است، مضافاً باینکه اعلیحضرت پادشاه سوئد راضی نشده بوده است که بایرانیان آزادی عمل بفرایض دینی‌شان را اعطاء نماید: بعد از این سئوالات ایرانی از جلسه بیرون فرستاده شد. آنگاه اعضای عالی مقام هیأت شورا بکار قرائت و بررسی یادداشت ارائه شده پرداختند.

هیئت مشاورین با توجه باینکه: ۱ - پیشنهاد برقراری چنین داد و

۵۳ - در آن ایام در استان‌های بالتیک ( استونی، لیونی، کورلاند ) نچبا و اشرف ( بورژوا ) همگی منحصرآ آلمانی‌الاصل بودند.

ستدی از طریق زمینی بدون دلیل داده نشده است زیرا ایرانی نامبرده دلیل ترك راههای داد و ستد قبلی را خطر وجود ترکان قلمداد کرده است ؛ ۲ - چون این دادوستد از مدتها پیش از طریق خاک روسیه و نیز ناروا ادامه داشته است ؛ ۳ - اگر چه خط سیر مسکو تا اسمولنسک Smolensk از طریق ویتوبسک Witebsk تا دوبناه از طریق میتو تا لیبو پیشنهادی قابل قبول است اما بعضی از شرایط پیشنهاد شده توسط ایرانی تاحدی جنبه های ناراحت کننده دارد . لهذا بعد از تفکر و تعمق درباره این پیشنهادات چنین نظر داده شد :

نکته اول ، اینکه هیچ هیأت تجاری بدون وجود محل مطمئنی [جهت استقرار در آنجا] نمیتواند بقاء داشته باشد . بهمین جهت هر کجا کمپانیهایی استقرار یافته از منازلی بهرور شده است ، بنابراین درخواست ایرانیان دایر بداشتن انبار ساخته شده از سنگ در دوبناه ، میتو و لیبو جهت نگاهداری کالاهای تجاری را نمیتوان رد کرد ، اما از یادداشت چنین نتیجه گرفته میشود که ایرانیان در نظر دارند از چنین منازلی ، بلطف و الاحضرت بر خوردار گردند . بمابین ترتیب برای الاحضرت بسیار دشوار خواهد بود که جهت دادوستدی که معظمله هنوز کوچکترین سودی از آن نبرده است ، دستور ساختن منازلی سنگی را صادر فرمایند .

معهذا درین مورد باید اطلاعات روشنتری از ایرانی نامبرده خواست و در صورت لزوم ، باموافقیت و الاحضرت ، بوی گفته خواهد شد که چنین درخواستی را از و الاحضرت نمیتوان داشت ، اما با وجود این نزد و الاحضرت وساطت خواهد شد که برای ایرانیان درین سه شهر محل مناسبی جهت ساختمان انبارها و منازل مسکونی مورد نظر معین گردد . امید است که و الاحضرت بچنین درخواستی از روی عنایت پاسخ مثبت بدهند .

در مورد نکته دوم بنظر میرسد که واگذاری آزادی حرکت وسایط

نقلیه کاملاً با امور اداری قلمرو والا حضرت صدمه میرساند بویژه که هم‌اکنون، بدون این واگذاری، رعایای والا حضرت بحد کفایت زیر بار [مالیات] مربوط بوسایط حمل و نقل میباشند. معیناً میتوان پیشنهاد نمود، بدون اینکه این پیشنهاد حکم قانون پیدا کند که بایرانیان در قبال جوهری، که در مورد مبلغ صحیح آن در ابتدا باید برای همیشه بموافقتی رسید، وسایط نقلیه‌ای واگذار گردد.

در باره [ماده] سوم، نظری درین باره داده نشد، زیرا این ماده منصفانه میباشد. معیناً ضروری تشخیص داده شد که برؤیت ایرانی نامبرده رسانیده شود و جزو شرایط محسوب گردد که ایرانیانی که با کالاهای خود مسافرت میکنند، باید در حین این مسافرت‌ها رفتاری آرام داشته باشند. در باره ماده چهارم: ایرادی وجود دارد، [باین معنی] که مذهبی خارجی باین سرزمین وارد میشود و عمل بآن آزاد خواهد بود. ولی چون تشخیص داده شده است که این مذهب بر اساس مذهب مسیح بنا شده [و] که این مذهب در روسیه و در لهستان نیز آزاد بوده است، باین ترتیب نتیجه گرفته شد که این موضوع ما را با هیچگونه دشواری روبرو نخواهد کرد، خاصه اینکه بنظر میرسد که چنین دادوستدی کمک برونق این سرزمین نماید. در باره استقرار کشیش، این موضوع بمیل و رضایت والا حضرت واگذار شد.

در باره ماده پنجم - یاد آوری شد که والا حضرت میتوانند در حدود قوانین کشور، بایرانیان آزادی اعطاء فرمایند؛ و این آزادی میتواند به تجار نیز اعطاء گردد. در سایر موارد ایرانیان مقید با احترام گذاشتن بقوانین و عادات این کشور خواهند بود، و قراردادی واقعی بر مبنای حقوقی باید درین مورد تهیه گردد. اما تا پیشنهاد نظر بهتری، چنین تشخیص داده میشود که شایسته نباشد که آزادی عمل رؤسای قوافل تجاری را از ایشان سلب نمود. مگر

در مواعقی که اختلاف نظری درباره تعبیر قرار داد وستد پیش آید. اما بهر حال تصمیم گرفته شد که از ایرانی سؤال شود که او از کلمه «اشخاص» و «امتیازات» درین فصل از یادداشت خود چه اراده میکند.

در باره ماده ششم، میبایست از ایرانی هذا کور سؤال شود که آیا قصد وی ازین دادوستد شامل تجارت جزئی نیز بنحوی که ناچار از بکار بردن زرغ و واحدهای دیگر اندازه گیری نظیر آن باشند، میشود یا نه. اگر چنین باشد، این تجارت بادر نظر گرفتن سرمایه کلان ایرانیان و تجارتخانه‌هایشان و بخصوص اینکه کالاهایشان را خود تهیه میکنند، و نیز سالهای معافی از پرداخت حقوق گمرکی، برای شهرها و ساکنین آن درین کشور زیان آور خواهد بود. باین ترتیب داد و ستد این شهرها ممکن است بسادگی از رونق بیافتد، بنحوی که طبقه «بورژوا» کاملاً ورشکسته شود و چنانچه جنگی بین مسکو و سوئد و یا بین مسکو و لهستان درگیرد، ممکن است موجب نقصان کالاهای تجاری گردد. زیرا امکان دریافت کالا از ایران نخواهد بود و جلوی کالاهای تجاری که از هلند باین کشور وارد میشود نیز گرفته خواهد شد.

در باره ماده هفتم، در مورد اینکه هنگام برقراری چنین هیئت تجاری اجازه چند سال معافی از پرداخت حقوق گمرکی به هیئت ذینفع داده شود، موضوع قابل ذکری بنظر نمیرسد. معهداً در خور یادآوری است که در مورد این معافیت، بنظر میرسد دو یا سه سال کافی باشد.

در باره ماده هشتم، عدم امکان چنین امری کاملاً واضح است. زیرا هیچکس نمیتواند دست بخیرید مستغلات بزند مگر اینکه متعلق به طبقه اشراف کشور باشد. ازین رو اگر ایرانیان مالک مستغلاتی از نوع تیول، «ملک» منزل و زمین باشند و قرار باشد که آزادی استقرار سوداگران و کارگاهها و مالکیت

☆ در متن Aune که واحد اندازه گیری طول و معادل (۱/۱۸) متر بوده است. مترجم

خصوصی آنها را داشته باشند، بسیار بزیان و الاحضرت تمام خواهد شد. زیرا باین ترتیب ممکن است موقعیت حقوقی تسابعت را غصب کنند و شهرها و صنعت گران را به ورشکستگی بکشند و درآمد گمر کی کشور را ضعیف نمایند. مع هذا بشکلی خاص و با شرایطی خاص و الاحضرت در این مورد بخصوص میتوانند در مقابل هر یک از این امتیازات با تعیین مقادیر معتنابهی حقوق گمر کی بهره مند شوند.

در باره [ ماده ] نهم، در مورد آنچه ایرانی مذکور ازین صندوق اراده میکنند باید از وی توضیحات دقیقتری خواسته شود، و قدری خطرناک بنظر میرسد که قبل از اینکه داد و ستدی استقرار یابد، مبلغی پرداخت گردد. اما هنگامیکه داد و ستد برقرار شد، چنین صندوقی و چنین کمک پولی دیگر نباید ضروری باشد، همانطور که از مفاد ماده دهم استنباط میشود.

در باره [ ماده ] دهم، خاطر نشان شد که در صورتیکه و الاحضرت به وجود چنین صندوقی و پرداخت چنین مبلغی از روی عنایت رضایت بدهند، باید ماده ای پیش بینی شود که بموجب آن عموم بازرگانان و کالاهای تجاری ایرانیان مادام که از راه زمین سفر میکنند ضامن مبلغ پرداخت شده باشند. در باره [ ماده ] یازدهم، مربوط به پرداخت سالیانه هیزم و علوفه و گاه، این امر منوط بفرمانی است که و الاحضرت از روی عنایت صادر خواهند فرمود. درین صورت، مع هذا، تعیین مقدار آن باید از [ ایرانی ] پیشنهاد دهنده خواسته شود. در غیر این صورت، چون و الاحضرت بخصوص در ابتدا، هیچگونه نفع قابل ذکری ازین داد و ستد نمیتوانند داشته باشند، تهیه مقدار مورد لزوم بمعده خود ایرانیان خواهد بود.

در باره [ ماده ] دوازدهم، و الاحضرت میتوانند منافع قابل اهمیتی از استقرار یک کار گزار ببرند، زیرا و الاحضرت میتوانند چنین شخصی را با افراد کافی در

مقابل حقوقی معین تعیین نمایند و مازاد عایدات را بحساب خود منظور فرمایند. در باره [ماده] سیزدهم، در مورد مترجم، نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. در باره [ماده] چهاردهمین و پانزدهمین [ماده] باید برای بهای حمل مسافری و بویژه کالاهای تجاری بنحوی موافقت بعمل آید که از لحاظ درآمد کشتیها زیانی متوجه والا حضرت نگردد.

در باره [ماده] شانزدهم یادآوری شد که ایرانیان میبایست درآمد و شد خویش، تا آنجا که ممکن است، از هر گونه آزادی بهره مند باشند و بویژه باید از ایرانی مذکور سؤال شود که آیا فقط قصد تجارت عمده را دارد و یا همچنین در صدد تجارت جزئی، بر حسب زرع و من و مثقال و نیز میباشد و آیا تجارت عمده را به کالای کشورهای این منطقه نیز بسط میدهد یا خیر. در باره [ماده] هفدهم، همان یادآوری هائی که در باره ماده دوم شد تکرار گردید.

### کتابخانه مدینه

در باره [ماده] هیجدهم و نوزدهم، [تصمیم] چگونگی بستن قرارداد گمرکی بعد از پایان سالهای معافیت بمیل و اراده مبارک والا حضرت و گذار میشود. معهدا مرجح تشخیص داده شد که بجای اخذ مبلغی کلی، حقوقی معین برابر با يك ياد و در صد اخذ شود؛ زیرا هنگامیکه دادوستد رونق یابد، گمرک مبلغی معادل ۱۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ ریكسدال متحماً در آمد خواهد داشت و بازرگانان با پرداخت حقوق گمرکی متناسب با کالاهای تجاریشان متحمل خساراتی نمیشوند. بعبارت دیگر اگر دادوستد بعلت بروز جنگ و یا عوامل دیگر نقصان پذیرد و با وجود این بازرگانان مجبور باشند مبلغ ۴۰۰۰۰-

در متن Pinte مترجم

در متن Aune مترجم

در متن Once مترجم

ریکس‌دال پردازند، داد و ستد ضعیف می‌گردد و حتی ازین کشور رخت برمی‌بندد.

در باره بیستمین و بیست و یکمین و بیست و دومین ماده، مربوط به پرداخت حقوق گمرکی با دادن عین کالا بعلت نبودن وجه نقد با تصمیم درین باره محول باراده و الاحضرت میشود، مع هذا به لحاظ انصاف و برابری بنظر رسید لازم باشد یاد آوری شود که در مورد مبالغ هیبایست با ستناد بیست و دومین ماده، وسیله ای متناسب جهت قیمت بندی ابریشم پیدا نمود. اما در باره سایر کالاها بنظر میرسد که تا پیشنهاد بهتری نشده است، بر عایت عادات این کشور حقوق گمرکی بر حسب درصد تعیین گردد. با وجود این در باره جواهرات نظر داده شد که لا اقل ۱/۲ درصد از آنها باید بعنوان حق شناسی بوالاحضرت پیشکش شود. زیرا ارزش آنها و مقادیرشان بخصوص در مورد مروارید میتواند مبالغ هنگفتی باشد. ازین گذشته در قسمتی که مربوط به فروش این جواهرات میشود پیشنهاد عرضه شده عادلانه است و برای و الاحضرت با در نظر گرفتن نوع این جواهرات میتواند امتیازاتی داشته باشد.

در باره بیست و سومین [ ماده ] چنین نظر داده شد که [ اتخاذ تصمیماتی جهت ] باقی مانده هیزم و علوفه و گاه بسته باراده و الاحضرت در باره ماده یازدهم میباشد. از جانب دیگر ضروری تشخیص داده شد که بعرض و الاحضرت رسانیده شود که قبل از هر چیز از جهت احتیاط و بخاطر امنیت تجارت، مقرراتی واقعی باید در نظر گرفته شود که قدرت قانونی داشته باشد، و بهمین نحو در مورد سایر مواد باید عمل نمود و در صورتیکه در اظهارات گمرکی کالاهای تجاری تقلبی صورت پذیرد این [ مقررات ] باید محترم شمرده شود، و الا ممکن است که بسادگی، بعد از پایان سالهای معافیت گمرکی، ایرانیان در باره این دادوستد نیز بهمان گونه با دادوستد لیونی در ناز و رفتار

کردند ، عمل نمایند و این کشور را ترك گویند و خسارات بزرگی بوالاحضرت وارد آورند .

مصرأ یاد آوری شد که بحکم احتیاط میباید از ابتدا جلوی [بلندپروازیهای] ایرانیان را گرفت، بنحوی که ایشان درصدد استقرار در میان طبقه نجبا و اشراف نباشند و بنا بر این امکان ایجاد کار گاهها و برقراری تجارتنی خاص که بزبان شهرها و بورژواهای این کشور تمام شود ، بآنها داده نشود و این هیئت بازرگانی عموماً باید ضمانت این امر را بنمایند .

بعد از این ملاحظات اظهار امیدواری شد که جهت اطلاع شهر یادداشتی درباره مواد متعلق به این دادوستد ارائه شود و فردا در ساعت هشت صبح اعضاء برای ادامه شور گرد هم آیند .

ششم سپتامبر ۱۶۹۶

وکالت نامه ایرانی مذکور که از زبان ایرانی بآلمانی ترجمه شده تحت عنوان حرف ب، ( B ) واصل شد و برای گزارش به و الاحضرت کافی تشخیص داده شد. همچنین یادداشت مخصوص شهر تحت عنوان حرف «ج» ( G ) قرائت شد و آنگاه تصمیم گرفته شد که ایرانی مذکور بشورا دعوت شود و از او توضیحاتی در مورد مواد حاوی در یادداشت مخصوص شهر و نیز سایر نکات تاریک خواسته شود. بدنبال این تصمیم شخص اخیر [ایرانی] بعد از ورود توضیح داد .

درباره ماده پنجم یادداشت [گفت] که این ماده باین معنی است که ایرانیانی که بتجارت عمده میپردازند از خط سیری که از طریق کورلاند میگذرد فقط برای عبور استفاده میکنند ؛ اما آنهایی که در کورلاند مستقر میشوند ، خواه بازرگان یا صنعتگر ، میبایست مانند سایر تبعه این کشور از آزادی و منافع در حمل و نقل هر نوع کالا خواه کالای داخلی یا خارجی و یا ایرانی [بابکار بردن] زرع و من و متقال ، برخوردار باشند .



در مورد [ماده] ششم، مانند ماده پنجم باین معنی است که صنعتگران بخصوص باید مجاز باشند مانند سایر صنعتگران، کارگاههای خود را بنحوی که مایلند بکار بیاندازند.

در مورد [ماده] هفتم، باید چنین برداشت کرد که معافی کامل گمر کی بمدت چهار سال شامل هر دو دسته از اشخاص خواهد شد یعنی هم آنهایی که بکار تجارت عمده میپردازند و هم آنانکه در کورلاند مستقر خواهند شد.

در مورد [ماده] هشتم، که ایرانیان نه تنها ادعای خرید مستغلاتی را دارند بلکه مدعی بخرید املاک تیولی\* با همان حقوق و مزایا که طبقه نجبادر این کشور داراست، میباشند و مایلند که کار فرما بوده و از هر حیث مالک کارگاههایی که در این املاک وارد و مستقر میکنند باشند.

در مورد [ماده] نهم، در خصوص صندوق، از آن باید چنین مستفاد گردد که وجودش از یکسوی بعلت حقوق گمر کی و از سوی دیگر و بویژه در صورتی که ایرانیان بی پول بشوند، برای پرداخت مخارج سفرشان از میان قلمرو کورلاند ضروری است.

در مورد [ماده] شانزدهم، که منظور ایشان [ازین ماده] تنها کالاهای خارجی از مبداء ایران، روسیه، لیتوانی و لهستان نیست بلکه کالاهای داخله کشور مانند موم، چرم و پنبه، باستثناء غلات، دانههای کتان، چوب و سایر کالاهای ساخته نشده از همین نوع را در بر میگیرد.

در باره [بیست و یکمین ماده] توضیح اینکه عدلهای کالا بهنگام بازرسی گمر کی باید گشوده شود و آنگاه حقوق گمر کی پرداخت گردد و نیز اینکه ایشان [ایرانیان] برای استحضار خاطر و الاحضرت مایلند صورت ریز و دقیقی در مورد جواهرات تقدیم ایشان نمایند.

بعد از این توضیحات اعضای عالی مقام هیئت شورا گردهم آمدند و تصمیم

گرفتند که بایرانی چنین پاسخ دهند که این توضیحات را ممکن است بعداً تقدیم حضور و الاحضرت نمایند، و محتملاً نتیجه آنرا با اطلاع وی برسانند. آنگاه وی مصرأ درخواست کرد که بیش از اندازه تأخیر نشود، زیرا او درباره این دادوستد باید در لهستان گفتگو نماید و از آن جهت علاقه به تسریع دارد که امکان آغاز این دادوستد در سال بعد بوجود آید.

باین ترتیب اعضای عالی مقام هیئت شورا در این مورد بوی قول هائی دادند و آنگاه بعد از بیرون رفتن وی، ایشان بین خود چنین قرار گذاشتند که فردا کلیه نکات را جزء بجزه بعرض و الاحضرت برسانند و نیز مجدداً در تاریخ هشتم ماه جاری، در ساعت مقرر گرد هم آیند.

#### ترجمه سند شماره ۳

ما، فردریک کازیمیر بلطف الهی دوک لیونی، کورلاند و سامگالن. اعلام میداریم و بنام خودمان، اخلاف مستقیمان و جانشینانمان بموجب این نوشته برسمیت میشناسیم که ما بملاحظه آبادانی سرزمین های خود که بآن علاقه هیورزیم، بدنبال تقدیم درخواست ناچیزی و مصرانه فیلیپ-دوزا گلی، اهل جلفا، ساکن پایتخت شاهنشاهی ایران، اصفهان که وکالت نامه ای نیز صادر از مسکو و مورخ ۵/۱۵ ژوئن سال جاری عرضه داشته است، از روی عنایت در مورد یادداشتی که توسط نامبرده تقدیم شده است و موادی که در باره استقرار دادوستد ایرانیان حاوی است، در اینجا، در سرزمین های خودمان تصمیم گرفتیم که باین ملت، بر مبنای شرایطی که در زیر میآید، آزادی دادوستد اعطاء فرمائیم.

= ۱ =

ما مایلیم که از ابتدای دادوستد به ایرانیان، در دویناه، بشکه، میتوو لیوو، منازل آسایش بخش به سبک و شیوه ممالک خود واگذار نمایم، تا

ایشان کالاهای خود را درین منازل قرار دهند. علاوه بر این دراما کن چهار گانه یاد شده در بالا، محل های سهل و قابل استفاده ای در اختیار آنان گذاشته میشود (وبایشان اجازه تهیه لوازم مورد نیاز نیز داده میشود). ولی مادام که انبارهایی توسط ایرانیان ساخته نشده است، ایشان منزلی را که ما برای آنان در نظر گرفته ایم، در اختیار گرفته از آنها استفاده خواهند کرد. سپس منزلی که توسط ایشان ساخته میشود نباید بهیچ مصرف دیگری جز قرار دادن کالاهای تجاری ایرانیان و برای سکونت این ملت بکار رود؛ و چون ایرانیان جهت کالاهای خود در شهر لیبو درخواست انبار شایسته ای مینمایند و نیز از طرف دیگر بعلمت کالاهای تجاری پربهای ایرانیان امنیت این محل نیاز بسدیوارهای ضخیمی دارد، ازین رو ماقول میدهیم که از روی لطف و مرحمتی خاص زیرزمینها و اطاق های لازم را در قصر خود<sup>۵۴</sup> گروبین، تابنای انباریاد شده در بالا، در شهر لیبو در اختیار ایشان قرار دهیم.

= ۲ =

ما از روی عنایت به ایرانیان و حال التجاره متعلق بآنان آزادی عبور و مرور از دوبناه به لیبو از طریق میتو، و برای بازگشت از آنجا به دوبناه، بهمین ترتیب که از بشکه به لیبو از طریق میتو، و برای بازگشت از لیبو تا مرز از طریق بشکه تفویض می نمائیم. اما بخاطر این و به جهت حق شناسی بی پیرایه ازین عنایت شاهانه، ایشان [ایرانیان] باید تا پایان سالهای معافیت گمرکی، باستناد ماده ششم، یک درصد وجه نقد بر حسب ریکسداال برای تمام کالاهائی که باین سرزمین وارد میکنند، بھر نام که باشد بدون استثناء مگر برای جواهرات و مرواریدها، به شخصی که برای این منظور خواهیم گماشت، طبق اظهار نامه صحیحی که تسلیم میشود، بپردازند.

۵۴ - Grobien - قصری در نزدیکی لیبو Liepaja .

اما هنگامیکه سالهای معافیت گمرکی سپری شد و پرداخت حقوق گمرکی آغاز گشت این یک درصد، که جهت آزادی عبور و مرور است، حذف خواهد شد و ایشان معذا از این آزادی بهره‌مند خواهند بود. با وجود این ایرانیان باید همیشه چهار هفته زودتر با اطلاع مابرسانند که با چه مقدار مالالتجاره خواهند رسید، تا بتوان بموقع تصمیمات مقتضی جهت پذیرفتن این محمولات گرفت.

= ۳ =

مسا قول میدهم که ایرانیان را تحت حمایت خود قرار دهیم و مانند سایر تبعه خود و دیگر مسافران با آنان رفتار نمائیم و آنها را از هر خطر و یا هر اجحافی حفظ نمائیم، معذا ایشان باید تعهد نمایند چنانکه شایسته است چه در حین سفر و چه در داخل کشور رفتاری آرام و متین داشته باشند.

= ۴ =

ما به ایرانیان اجازه میدهم که بر اسم مذهبی خود ابتدا همراه با کاتولیکها و در کلیسای ایشان، درین سرزمین، بپردازند. اما اگر با گذشت زمان خانواده‌ای چند قرار شد در اینجا، در قلمرو ما، مستقر شوند، با توجه باینکه مذاهب وابسته بآئین کاتولیک در اینجا تحت شرایطی چند از آزادی انجام فرایض بهره‌مند میباشند، ما عنایت خواهیم کرد و درین زمینه تا آنجا که امکان داشته باشد بیشتر توضیح خواهیم داد.

= ۵ =

ما بایرانیان حق مستقر شدن در اینجا، در شهرها و قلمروهای خود و نیز حق برخورداری از وسایل زندگی و بورژوازی بمانند سایر تبعه اعطاء میکنیم. هم چنین اجازه میدهم که کار گاههایی ایجاد نمایند و درین صورت ایشان

(۵۰)

میتوانند بر حسب وضع و موقع خود از تمام امتیازاتی که سایر بورژواها و تبعه ما از آن بهره‌مندند بدون استثناء استفاده نمایند.

= ۶ =

ما مایلیم به بازرگانانی که حامل مال التجاره عمده هستند و از سرزمین‌های ما فقط برای عبور دادن کالاهای خود گذر میکنند معافیت از هر نوع حقوق گمرکی و هدیه و مالیات و خراج بمدت چهار سال، و برای آنهایی که درین جا مستقر خواهند شد بمدت سه سال اعطاء نمائیم. اما بعد از انقضای این مدت ایشان باید متعهد شوند همان مبالغی که سایر تبعه و بورژواهای ما میپردازند، تأدیه نمایند.

= ۷ =

در قلمروهای خود ما بایرانیان حق معامله کردن با طبقه اعیان و ساکنین اینجا را، در مورد مایملک ایشان، از طریق رهن و یا مال الاجاره و یا تملک [مورد معامله] استفاده از آن، مادام که رهن معتبر است و پرداخت مال الاجاره طبق قوانین و عادات این کشور اعطاء میکنیم، و نیز از روی عنایت شاهانه خود لطف خواهیم کرد که بچه عنوان میتوان ایشان را [ایرانیان را] با مستملکات خود، بهمان گونه که در بالا اشاره رفت راضی نگاه داشت.

در عوض اگر ایرانیان ب فکر این باشند که مستغلات از راه رهن بسا مال الاجاره بدست آورند، ایشان باید در حله اول ما و جانشینان بلا فصل ما و متعاقبین ما را در جریان امر بگذارند و چنانچه مایل باشیم که با ایشان معامله کنیم، ایرانیان باید باین معامله راضی و راغب باشند.

= ۸ =

چون بنظر ما چنین میرسد که داشتن صندوقی، جهت اعطاء پول نقد

به ایرانیان صحیح نیست بنابراین بایرانیان حق گرفتن وام، بآن مقدار که مورد نیاز برای سفر باشد، از بورژوازیهای خود و یا از سایرین، بضمانت کالاهای تجاری آنان اعطاء مینمائیم. اما ما امیدواریم که مطابق ماده یازده<sup>۵۵</sup> یادداشت عرضه شده، این اجازه وام خواستن با گذشت زمان ضرورت خود را از دست بدهد و ایرانیان بتوانند از آغاز کار از هم میهنان خود هر اندازه که لازم باشد وام بگیرند، علی الخصوص که ایشان دست جمعی مسافرت میکنند.

= ۹ =

بایرانیانی که در اینجا مستقر خواهند شد ما همان حقوقی را که به بورژوازیهای خود اعطاء کرده ایم اعطاء میکنم اما برای استفاده و نفع سوداگرانی (عمده) که در عبور میباشند، در هر يك از چهار شهری که در ماده اول نام برده شد: دونه، بشکه، میتو و لیبو، مادوازه بارچوب، ده ارا به علیق و ده ارا به کاه در سال فراهم خواهیم کرد و اگر احیاناً چوب و علیقه و کاهی باقی ماند باید جهت استفاده این منازل حفظ شود و بهیچ قصد دیگری بکار نرود اما اگر بر خلاف انتظار از مقدار همین شده بیشتر نیاز باشد ما آنرا بقیمت نازلی در اختیار آنان قرار خواهیم داد.

= ۱۰ =

در هر يك از چهار محل یاد شده مادونفر کار گزار بادونفر خدمتکار نگاه-داری کرده و مخارج آنها را تقبل میکنیم. در عوض ایرانیانی که در عبور هستند قبول خواهند کرد که از ابتدای دادوستد به شخص و در محلی که ما امر خواهیم کرد يك ریکسداال پول نقد برای هر عدل از مال التجاره ورودی خود بپردازند.

۵۵ - باید منظور ماده دهم باشد.

= ۱۱ =

ما بایرانیان قول میدهیم که اگر ما در قلمرو خود کشتی‌هایی بدون محموله بهنگام رسیدن مال التجاره ایرانیان به لیبوداشتم حق تقدم برای استفاده از این کشتی‌ها را بایرانیان واگذار نمائیم، در قبال مبلغی منطقی بر حسب شرایط زمانی بنجوی که ایشان بتوانند از عنایات شاهانه ما احساس غرور نمایند. بهمین ترتیب در صورتی که کشتی‌های موجود تعدادشان کفایت ننماید، ایشان از همان حقوق که بورژواهای ما برخوردارند، باید استفاده نمایند و آزاد هستند که با بورژواهای ما کشتی‌های خارجی بدون محموله را بتساوی بارگیری کنند. اما در مورد مسافرین اثاثیه ایشان ماعلاقمندیم که در کشتی‌های ما یا کار بر حسب رسوم دریانوردی رایج انجام پذیرد و یا بمقتضای توافقی شایسته باشد که ایرانیان در مورد بهای حمل و نقل بآن خواهند رسید. مع هذا برابری باید محترم شمرده شود، بنجوی که ایرانیان هیچ دلیلی برای شکایت کردن درین مورد نداشته باشند.

= ۱۲ =

ماعلاقمندیم که در اختیار سوداگران عمده و ایرانیانی که در عبور هستند مترجمی قرار بدهیم و بوی مستمری بپردازیم این مترجم عنوان مترجم دربار را خواهد داشت اما در عوض ایرانیان متعهد بپرداخت یک چهارم ریکس‌دال پول نقد برای هر عدل مال التجاره، بهمان نحو که در ماده دهم معین شد، میباشند.

= ۱۳ =

بعد از انقضای چهار سال معافیت از حقوق گمرکی، ما باین اکتفا خواهیم کرد که ایرانیان فقط دو درصد حقوق گمرکی بر حسب ریکس‌دال برای مال التجاره‌ای که از ایران می‌آید، در صورتی که مال التجاره مذکور سرزمین

مارا از راه دریا ترك كند ، بپردازند ، و چنانچه مال التجاره از راه دریا رسید و از طریق زمینی عبور کرد فقط يك درصد بپردازند . اما بمنظور جلوگیری از هر نوع تقلب ، ایرانیان باید به کار پردازان محلی صورت دقیقی از مال التجاره ای که از راه زمینی به دو بنانه و بشکه میرسد و یا از طریق دریا به لیبو میآید ، تسلیم نمایند و تمام عدلهای مال التجاره باید مهر و موم شده باشد و توسط کار پرداز در اینجا یعنی در شهر میتو ، باز و بررسی شود و حقوق گمر کی نیز در اینجا بروی مال التجاره ای که ما معین خواهیم کرد باید پرداخته شود ، و اگر در پی این بازدید قصد تقلبی احیاناً آشکار گردد ، مال التجاره که به گمرک اعلام نشده است ، بهر بهائی که باشد ، از دست داده خواهد شد و بدون هیچ گونه شکل قانونی دیگری توقیف خواهد گردید .

= ۱۴ =

باستثناء جواهرات و مرواریدها که درین مورد نیز ایرانیانی که در عبور هستند باید صورت دقیق و صحیحی در اختیار ما بگذارند ، ماهیچگونه معافیت از پرداخت حقوق گمر کی مذکور در بالا را برسمیت نمی شناسیم ؛ و اگر بعضی ازین جواهرات و یامرواریدها شایستگی مارا داشت [ ایرانیان ] باید متعهد باشند که با سودی معادل با ۵ درصد محسوب بر اساس قیمتی که ایشان در ایران و یا در هندوستان پرداخته اند ، بما واگذار نمایند ، و اگر برخلاف انتظار جواهرات و یامرواریدهایی باشد که بما صورت داده نشده باشد و در جستجو کشف شود ، مقصر و یا مقصرین این کوتاهی ، بایستی به مجازاتی که ما بمیل خود ، بر اساس شرایط موجود ، معین خواهیم کرد ، رسانیده شوند .

= ۱۵ =

اگر بعضی از کالاهای دیگر نیز مورد نظر ما واقع شد ، ایشان باید



متعهد باشند که آنها را با سودی معادل با ۵ درصد محسوب بر اساس قیمت خرید و کلیه مخارجی که متحمل شده‌اند، بما واگذار نمایند.

= ۱۶ =

در صورتی که ایرانیان پولی جهت پرداخت حقوق گمرکی همراه نداشته باشند، ما قبول می‌کنیم که ایشان بجای آن با گرفتن ۵ درصد سود بما کالای شایسته‌ای عرضه دارند، هر چند برای ما مرجع است که حقوق گمرکی نقداً پرداخت شود.

= ۱۷ =

هم‌چنین در صورتی که بعلت فقدان وجه نقد بناچار ابریشم بجای حقوق گمرکی بماعرضه شود، ما قبول می‌کنیم که بمبنای ماده بیستم یادداشت تقدیم شده: ابریشم موسوم به شعر باقی بقیمت ۷۶ ریکس‌دال، ابریشم لاهیجانی بقیمت ۶۰ ریکس‌دال و ابریشم کنار بقیمت ۴۰ ریکس‌دال، هنگام تنظیم اظهارنامه گمرکی بر اساس ماده ۲۲ یادداشت تقدیمی بعنوان مرحمت خاص شاهانه ما نسبت بایرانیان، بصورت زیر تعدیل و پذیرفته شده و مورد ارزیابی قرار گیرد: ابریشم درجه یک بقیمت ۵۴ ریکس‌دال درجه دوم بقیمت ۴۰ ریکس‌دال و درجه سوم بقیمت ۳۰ ریکس‌دال.

= ۱۸ =

سایر کالاهای تجاری از مبداء ایران مانند پنبه و چرم روسی و موم و مشک و پارچه‌های زربفت و نقره بفت و پارچه‌های ابریشمی بالاخره بهر نام که نامیده شوند، باید به قیمتی منطقی حقوق گمرکی بآنها تعلق گیرد و ازین قیمت ۲ درصد وجه نقد آن باید بر اساس قیمت خرید حقوق گمرکی بر آنها تعلق

گیرد و یک درصد وجه نقد بر حسب ریکسداال پرداخته شود، بهمان ترتیب که در بالا بآن اشاره رفت.

= ۱۹ =

ما به بازرگانان عمده اجازه میدهم که به تجارت کلی درین کشور با بورژوازیهای ما پردازند، معیناً درین صورت باید متمهد شوند که یک درصد وجه نقد بر حسب ریکسداال برای کالاهای تجاری که درین کشور مورد معامله قرار میگیرد، حتی در طول چهار سال معافیت از حقوق گمرکی، پردازند و درین صورت عدل‌های کالا باید در بشکه و در لیبو باز شده مورد بررسی قرار گیرد و حقوق گمرکی نیز در همان جا ازین کالاهای مورد معامله اخذ خواهد شد.

= ۲۰ =

بر اساس یادداشت دیگری که توسط فیلیپ دوزا گلی نامبرده عرضه شده است و درباره تجارت هند شرقی ۵۶ میباشد، ما عنایت کرده کشتی‌های خود را در اختیار ایرانیان جهت این دادوستد و مسافرت خواهیم گذاشت؛ البته اگر ایرانیانی باین منظور پیدا شوند؛ ما قراردادی مخصوص و سودمند تنظیم خواهیم کرد، بنحوی که ایرانیان بتوانند راضی باشند. ما هم چنین مراقبت خواهیم کرد که این دادوستد در امنیت ادامه یابد.

= ۲۱ =

شخص نامبرده در بالا، دوزا گلی، بنام و بامر ایرانیان و نیز بعنوان فرستاده

۵۶ - این یادداشت در مورد تجارت هند شرقی باید سند مجزائی باشد که بدست ما نرسیده است زیرا در یادداشت مورخ ۸ سپتامبر ۱۶۹۶ فیلیپ دوزا گلی اشاره‌ای به این دادوستد نمیکند، بلکه فقط تجارت و داد و ستد با ایران را مورد توجه قرار داده است.

تام‌الاختیار ایشان نزد ما متعهد شده است که تمامی آنچه بین ما ( به‌سنوان نشانه‌ای از لطف ما) و ایرانیان که خود ب‌موجب این قرارداد و تصمیم کنونی ما طرف معامله میباشند، مورد توافق قرار گرفته است، باید بنحوی غیر قابل نقض و فسخ مراعات شود. باین جهت هم او (فیلیپ دوزاگلی) بطریق اولی دقت خواهد داشت که ایرانیان از همه لحاظ خود را بامعاهده‌ای که منعقد شده است و تعهدی که او باین منظور پذیرفته است تطبیق دهند .

= ۲۲ =

ایرانیان، چه آنان که در عبور هستند مادام که درین کشور اقامت دارند ، و چه آنهائی که درین جا مستقر خواهند شد ، هیچ قدرتی بجز قدرت عالی ما را بر سمیت نخواهند شناخت و در همه موارد خود را مطیع قوانین و آداب و رسوم این کشور خواهند دانست و بنحوی رفتار خواهند کرد که ما متعهد شویم که بعداً عنایات شاهانه خود را بایشان معطوف داریم و نیز بایشان بزرگترین امتیازات و آزادیهارا بر حسب امکانات و شرایط ، همان‌طور که ما لطف کرده درین جادرمورد آن سخن میگوئیم، واگذار کرده و بیک‌یک ایشان ارزانی داریم. بمنظور تشدید ضمانت امتیازاتی که بایشان واگذار شده و نیز بمنظور استحکام موادی که درین جا آمده است ، ما هم این ضمانت و هم این مواد را بامضاء معمول خود تائید کرده‌ایم و دستور داده‌ایم که پایان این قرارداد را بمهرمازین گردانند . تنظیم شده در اقامتگاه ما در میتو بتاریخ هیجدهمین روز ماه سپتامبر، بسال ۱۶۹۶ .

فردریک کازیمیر، دوک دو کورلاند

اینجانب رؤیت کرد و در زیر مهر رسمی دو کی نقش بسته، شهادت میدهد که رونوشتی که فرستاده شده است کاملاً با اصل برابر است .

دانیل پولشه (DANIEL POLSCHE)

منشی .

اینجانب [امضاء کننده زیر] فیلیپ دوزا گلی رسماً قول میدهم بر اساس متن این تعهدنامه، بنام و بامرایرانیان، بعنوان فرستاده تام‌الاختیار ایشان باستناد معرفی‌نامه مورخ ۵/۱۵ ماه ژوئن که امسال در مسکو صادر شده است و برریت رسانیده‌ام که ایرانیانی که در بالا از آنها نام برده شد متعهد و مایلند به نحوی محکم و پایدار و غیر قابل‌نقص بدون هیچ گونه ایرادی در تمامی مواد بندها و فصول کلیه شرایط حاوی در امتیازنامه مربوطه به آزادی داد و ستد و سایر نکاتی که توسط والا حضرت دوک دو کورلاند، شاهزاده و پادشاه پر لطف من بایرانیان ارزانی شده است رعایت نمایند. شرایطی که من پذیرفته‌ام و توسط ایرانیان تعهد و امضاء شده است و ایرانیان بنحوی رفتار خواهند کرد والا حضرت انگیزه‌هایی جهت نشان دادن مراحمی باز هم بزرگ‌تر بایشان داشته باشند و بآنان امتیازات تازه‌ای اعطاء فرمایند. ممه‌ذاد در قبال این والا حضرت آزادی بهره‌مندی واقعی از الطاف موعود، بر اساس امتیازات واگذار شده درین قرارداد را بایشان خواهند داد بنحوی که ایرانیان هیچ دلیلی برای شکایت کردن نداشته باشند.

جهت تحکیم وفاداری [به این تعهدات] و برای ثبوت اینکه اینجانب آنچه را در قرارداد آمده است پذیرفته‌ام و نیکوانگاشته‌ام این تعهدنامه را بدست خود امضاء کردم و مهر خویش را در پایان آن نهادم میتونوزدهم سپتامبر ۱۶۹۶.

**فیلیپ دوزا گلی**

Untertänigster Memorial an Ihre Hochfürstl. Durchl. Herzogen  
 zu Fürstenthum Sachsen die Persiansche Handlung, und Com-  
 mercien übergeben von Philippo de Fagely, Persia-  
 ner auß Hispahan zur Residence in  
 Perrien

Es ist bekandt, daß, wie die Persiansche  
 Handlung in Persien ihren Anfang in Per-  
 sien selbst angefangen haben, also  
 alle unsere Königsliche Persiansche Handlung  
 sich resolviret sein, ihre Handlung und Com-  
 mercien beständig in Persien in Persien  
 dem Persien, die Persien aber und unge-  
 wöhnlich die Persien, weil die Persien  
 gewöhnlich und beständig sind zu sein,  
 weil man die Persiansche Handlung, wie  
 Persien und Persien auch auß Persien  
 mit ihnen handeln in einer Persien in  
 Persien, und vor der ihre Handlung  
 vor in Europam, obgleich Braundenburg  
 Daetzig Danemarck, oder Holland etc.  
 und auch in andern in Europa liegende  
 Orten, daß Persien Persien. Und die Persien  
 ihren auch auß der Stadt Moscau auß Persien  
 Persien der Persien, und von Persien zu Persien  
 die Persien in die Stadt Witschke, und  
 von Witschke auß dem Persien Persien  
 Persien, von der Persien Persien Persien  
 Persien auß Persien, und von Persien Persien  
 Persien Persien Persien Persien Persien  
 auß in Europam, nach ihrem Persien Persien  
 Persien, und ihre commercien an Persien  
 Persien Persien Persien Persien  
 auß Persien Persien Persien Persien

Daß Ihre Durchl. Persien Persien, und Persien  
 Persien in Persien, auß Persien Persien Persien  
 Persien Persien Persien Persien Persien

Häuser jähet eine Quantität Holz und  
Hut allzuquindigt vorzuziehen werden, und  
die Porzellaner nicht solten fallen, alle das  
Holz und Hut nicht schon verbrauchten kön-  
nen, daß noch Verfertigung der Japaner ab-  
erab übrig bleiben, also, wie es sich vor-  
känfft, und das Geld zu Reparierung abge-  
geben Häuser angewandt werden.

Wollen Ihre Direct. einige puncta zu  
verändern quindigt vorzuziehen, daß diese einige  
alterhandlungsmäßig bilde, daß diese Dinge  
an den Ministros anweis, oder eine  
conference gefallen werde, damit eine  
schleunige resolution erfolgen möge.  
Wohl ist auch noch in Fiktion dieser commer-  
ciae Fiktion sich zu vorzuziehen, und  
sichlich gegen schon weißt, daß unsere  
Nation, die fünfzigste Jahr mit Gottes Güte  
einen Anfang, Ihre commercien in  
Fiktion einem Fiktion Ihre Direct.  
Diese einige Propositiones quindigt zu  
fallen inwendem, in diesem, in dem  
König.

Milan d. 10. Sept. Philipps d. 10. Sept.  
1620 (1620) Philipps d. 10. Sept.

N<sup>o</sup> 1542. 2

Itz worden van de vordienste, dieff  
van Persiaer Philipp de Keyely van an,  
geheten, ind uytgeen der Persiaer, van van,  
dieff in ind dieff (inland an andere  
deff dieff in predicatoris memorial  
sub tit. A. goudse Keyelinge gelien, so  
gaben de vordienste dieff (inland) quai  
dieff gefallen liden, ind die examinierung  
goudse memorial, wie die die confesi,  
wie in dieff vordienste gelgende Personen  
worden.

- Hon. Michael Ruyrecht. Regionierplatt.
- Hon. Christian Wilhelm Lau. Hoff. Hoff.
- Hon. Dirck van Hinderberg. Generaal Directer.
- Hon. Jokaan Dewerts. Hoijer. Hoijer. Hoijer. Hoijer.
- Hon. Bartel Schaanning. Hoff. Hoff. Hoff. Hoff.
- Hon. Kemmer Decker. Hoff. Hoff. Hoff. Hoff.
- Hon. Gerd Schacker. Hoff. Hoff. Hoff. Hoff.



Den 5. Septembris. 1696.

Haben abgendauffte die conferencie mit  
van Persiaer, ind die examinierung dieff  
memorialis worden Commisarii der  
conferencie den Anfang goudse, ind wie  
den vordienste Persiaer Philipp de Key  
gely in die conferencie goudse, ind die  
vordienste worden, ind die vordienste  
dieff dieff. Die goudse gefallen dieff  
dieff memorial ind dieff dieff exami  
nierung dieff liden, so dieff die vordienste

zu kaufen, was sellion kostet, wie selbte  
 der Adel alle besäße, und daß die die selbe  
 Gaudercher und manufactur so die ein-  
 sigen und nicht demselben fuerdica unindig  
 als die perperiam und eigentlicm besitz an  
 weisen. Auf den

19. handlen. Ratire der Pasa, daß alle  
 zu kaufen weise, weil ratire die zoll,  
 Zoll und inbudscheil, wenn die Periarer  
 an Kaufe des, das Land zu diez den,  
 von weiden. Auf den

20. Dapfjenden. Das die nicht allein die  
 außländische weise, an Persia, Anisland,  
 Lithanon und Pollex, sondern auch die  
 einländische weise, an Alast, Lora, Lala,  
 nicht aber die granen, Eisenstein, Holz,  
 und dergleichen guter weise vorhanden,  
 sein wollen. Auf den

21. Das die Paque von angebung die zoll  
 verfuhr, und alle der zoll an der zoll weise.  
 den alle, die eine accurate specifi-  
 cation von die weise, die die Gaffioff.  
 die zoll kaufte, eingehen wollen.

Kaufweiser Forderung die die Commis-  
 sarii zusammen gegeben und resolved,  
 daß die die demselben die anberod weise,  
 lassen wollen, daß die diesen Forderung  
 die Gaffioff die zoll geben die weise, und  
 die dem part geben wollen, weil die  
 weise die weise, oder insändig an der zoll  
 daß es nicht ganz die lange tardiret  
 werden weise, in dem es wegen dieser  
 handele nicht in Pollex die resolveden zoll  
 und dieser weise weise, damit die die weise,  
 die zoll, der handele seinen anfang nicht  
 von weise. So die die die Commis-

larie auf anfang, und die weise, was dem  
 oder abgetreten, unter die belidol, folgenden  
 beyde die Gaffioff die zoll nicht insändig  
 die zoll geben und den die weise die zoll  
 die zoll, weiden, und die zoll die zoll,  
 von.





**Wir Friedrich Casimir,**  
 Von Gottes Gnaden, in Preussen,  
 zu Lixland und Demgallen  
 Herzog.

**Wir** bekennen und bekennen für Uns <sup>Fürst</sup> Unsere Erben und  
 Successores, durch gegenwärtiger Schrift, das Wir in regard  
 der Uns einzig angelegenen ausschließlichen Unserer Lande, auf in  
 Sändig und Unterthänig aufsetzen Philipp de Lagely auß  
 Sulpha des Königl. Persischen Residence, Stadt Isfahan, in Jahren  
 der producirter Kollumast de Dats Moskau d. 15. Junii. Anni  
 currentis, auf dessen eingezahltes Memorial, und der darinnen  
 subaltern puncta, wegen der etablissement der Persischer  
 Handel, allhie in Unseren Landen, quädigst resolviret, und selbiger  
 Nation den folgenden Handel, auf ungleicher Art und Bedingung  
 geg. quädigst zugesprochen haben.

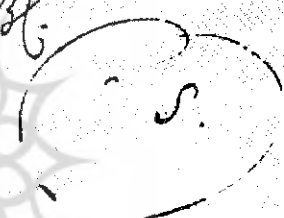
1. Abhandlung des Handels

**Wir** wollen Mit Unsern Persischen, bey dem Anbruch und Austritt  
 der Handel, in Sibiras Haupten Nishan, und Ferkel Caspian  
 Häuser, nach Unserer Lande Art und gebräuchlich, von unsrer ab  
 thigen einrichten, dabey unser, an obgedachten vier Orten Ca  
 spian gleich ausschick, und benötigte Materialien ansetzen laß,  
 auf weichen die Persischer nach dem eigenen Belieben und Ge  
 fallen, Facthäuser zu ablegung des unsrer Lande, können. So  
 lange aber als, die Facthäuser von uns nicht werden verhandelt  
 sein, sollen die die, Unser von Uns eingezahltes d. 15. Junii  
 und abtragen. Wir wollen auch freuzumassig die von Ihnen verhandelt  
 Fact, so es können, andern Nutzen, als zu ablegung der Persi-

herwegen werden möchten, wie Mir denn Urks  
 Simil quädrst vollen, was der Zeiten Gelagern  
 Zeit, Ihnen größere Freyheiten und Privilegia, ein  
 ob Sie sind Ihnen Leben, zu gönnen, zu geben, und  
 zu erheben. Haben auch zu unserer Hofordnung  
 selbst ihnen ertheilten Privilegi, und zwar darinnen  
 enthaltenen Articula, gegenwärtige Functia und  
 Hofordnung mit unserm gesondlichen Handzeigeln be-  
 kräftiget, und unsern quarden Sigell beydrucken laßen.  
 geschah in unserm Residence Mitau den 18. Tag  
 Monats September. im 1687ten Jahr.

JOHANN CASPER: Bz.

Praevisa copia cum vero suo originali  
 per omnia veridical, quod vidi et sub  
 appresso Ducali Judiciali sigillo attestat  
 Mitavae d. 19. Septembris Anno 1687.



Daniel Fölsche  
 1687.

Ich Philip von Zegely, anstands und gelobte in full  
 gegenwärtigen Levet, im Namen und von wegen  
 derer Personen als daselben gesellensüchtigen Lüt

Sabander

Salvatoris produciat Vollmacht, de dato Moscaei  
nono die Junii A.C. Daß obersambliche Porsianer  
alle die, von uns accordirt und als an Ihren  
Theilen eingezugens, in dem, von Sr. Hochfürstl.  
Durchl. auß Russland, unheimen quirdigen Fürsten  
und Herrn, Janen Porsianen ertheilten verfürge-  
funden Privilegio, wegen der freyen com mercien,  
und anderer Dingen, enthaltenen conditiones, in  
allen dens Artikula, Clausula, und puncta,  
fast, schrift, und unerschreiblich, ohne alle einmündigung,  
halten sollen und wollen, Und die als bezeugen  
werden, Daß Sr. Hochfürstl. Durchl. wohl geistlicher  
quardt ihren zu bezeugen und unfernen Privilegia  
zu ertheilen insonder haben müssen. Dagegen werden  
gegenwärtig Sr. Hochfürstl. Durchl. auß dem verfürge-  
funden quardt, laubt verfürgegebenden ertheilten  
Privilegio dieselbe einrichtlich gemessen haben, da-  
mit alle die zu bezeugen kann beschaffen  
mögen; Habe auch zu unfernen beschreibung, und zum  
Zeigen, daß alles verfürgegebender ertheilt von uns  
accordirt und bezeugt werden, gegenwärtigen  
Revers eigenhändig unterschrieben und unterschrieben. Dar-  
tum Nitari d. 19. Septembris Anno 1696.

Philip de Sagli  
Phy et ungt  
Sagli



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی